



فرم در رژیم ولایت فقیه تدارک دیکتاتوری یک آخوند

به اشارة خمینی هیاتی ۲۵ نفره که ۵ نفر آن را با انتخاب مجلس بوده است، تکلیف شده اند در یک فرصت دو ماهه پیش نویس متخیم قانون اساسی را تهیه کنند. با اینکه سردمداران رژیم میگویند تغییر اصول قانون اساسی را کاری "عادی" جلوه دهند، اما حتی در محافل حاکم و مطبوعات رسمی کشورهای نیز نتوانسته اند این نکته را کتمان کنند که: "تهیه پیش نویس اصلاحیه قانون اساسی دارای اهمیت در راستای اهمیت تدوین خود قانون اساسی است".

تا ماه خمینی در این باره که خطاب به خاندان نوشته شده است و ضرب الاجل برای آنجا تعیین مهم در نظر گرفته بود، بسیار تکوا همت این تغییرات است. خمینی در نامه خود تصریح کرده است که "رفع نقایص قانون اساسی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و اصلاحیه قانون اساسی و انتقالی تا خیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد".

در همین نامه، محدود و موضوعات مورد بحث به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- رهبری ۲- تمرکز در مدیریت فوّه محریه
- ۳- تمرکز در مدیریت فوّه قضائیه ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشد ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و ضرورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷- راه بازیگری سه قانون اساسی (مطورا افزودن اطمینان است که راه بازیگری به قانون اساسی راه لحاظ قانونی بازیگری کند) ۸- تفسیر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی.

مواردی از قانون اساسی که موضوع بحث و تغییر تشخیص داده شدند، به طور آشکار و نا پذیری متوجه فرم در سیستم سیاسی حاکم بر کشور است. به زبان روشن تر، آنچه که خود خمینی تا خیر در آن را موجب بروز آفات و عواقب تلخی ارزیابی کرده است، چیزی جز گردن نهادن به تشخیصی است اساسی در رژیم ولایت فقیه نیست. و این مویسه محت این پیش بینی است که ولایت فقیه در سر خوردن الزامات جامعه ایران و مبارزات مردم، ناگزیر از تغییر پذیری است. ولایت فقیه زیر فشار واقعیات و فروخا هد ریخت. اما این یک جنبه تجربه است. واقعیت تغییر در رژیم ولایت فقیه جهات دیگری را نیز آشکار کرده است:

فرم در رژیم ولایت فقیه در خلا صورت نمی گیرد. زمینه اصلی البته تضاد و تناقض این سیستم حکومت با الزامات جامعه است. اما این که در جهتی این فرم صورت گیرد و حتی گسترش یابد، این با چگونگی آرایش سیاسی نیروهای اجتماعی کشور در ارتباط قرار دارد.

بدیهی است که در شرایط ضعف و پراکندگی جنبش ترقی خواهانه مردم ایران که خواسته است با استقرار رژیم سیاسی دمکراتیک در کشور است، خمینی و سران حکومت و همه نیروهای ارتجاعی جامعه فرصت می یابند که فرم در رژیم ولایت فقیه را اساسا در خدمت تداوم و حاکمیت استبدادی آخوندها و متفای ارتجاعی و خود غرقا نه نشان در آورند. تجربه ای که پیش چشم ما می گذرد، گسترش می یابد این حقیقت را که ملاتوا نیدی کند.

امروز با نشانه ها و نشانه ها مستندتری که در همین فاصله کوتاه پس از برکناری منتظری وضوح پیدا کرده است، می توان جهت اساسی این بقیه در صفحه ۲

بازداشت و اعدام افسران ارتش را محکوم می کنیم

ری شهری اعلام کرده است. گفته می شود که دستگیری از میان پرسنل نیروهای مسلح گسترده بوده و از نیروی دریایی، زمینی و هوایی و نیز از میان رده های مختلف سپاه صورت گرفته است. همچنین در همان زمان معلوم شد که لاریجانی، معاون وزارت خارجه و محلاتی نماینده رژیم در سازمان ملل نیز جزو دستگیرشدگان هستند.

طبق این اخبار، تعدادی از افسران و فرماندهان نیروی دریایی و نیز فرماندهان سپاه پاسداران که بازداشت شده اند، اعدام شده اند. ری شهری نیز اعدام افسران را تکذیب نکرد.

دلایلی که ری شهری برای بازداشت ها اعلام کرده، گامی است. او گفته است که این افراد برای آمریکا جاسوسی کرده اند و شورش کثافتی از دوره های که آنها دیده اند ووظیفی که بر عهده آنها نبوده است و از همکاران برخی از کشورهای اروپایی نظیر آلمان غربی و آمریکا در این ارتباط ارائه داده است. در همین راستا نیز مصاحبه های با برخی از بازداشت شدگان ترتیب داده شد که از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید.

اتهام جاسوسی با زداشت شدگان را ساختگی است. زیرا اولاً، جاسوس تراشی یکی از شگردهای رایج رژیم در سرکوب مخالفان است. ثمونها در بقیه در صفحه ۴

در پی پخش اخبار بازداشت و اعدام جمعی از پرسنل نیروی دریایی و دستگیری برخی از مقامات کشوری از سوی مطبوعات غربی، بالاخره مقامات رژیم نیز سکوت خود را شکستند و بازداشت های تازه را تا نید کردند. بنا به اعتراف ری شهری، وزیر امور و اوک رژیم تعدادی از افسران عالی رتبه و نیروهای مسلح و مقامات کشوری و صاحبان مشاغل آزاد در مناطق مختلف کشور، طی ماه گذشته بازداشت شده اند. او گفته است که عده دیگری نیز دستگیر خواهند شد.

اخبار و شواهد حاکی است که تعداد بازداشت شدگان خیلی بیشتر از آسانی است که

دیدار تاریخی سران شوروی و چین

ساعت ۱۵ صبح ۲۶ اردیبهشت ماه، سالسن بزرگ مجلس نمایندگان خلق چین، میخائیل گورباچف و تنگ شیائوینگ رهبران اتحاد شوروی و چین، لیخندیل به استقبال یکدیگر می روند و دستپاچان را به سوی همدیگر در آرمی کشند و برای مدت طولانی محکم می فشارند. هر دو ای آنها هجان زده اند. گمانی که در سالن حضور دارند حسوب می فهمند که این نردن دست ها، فقط دستهای رهبران دو کشور نیست، بلکه دو خلق بزرگ سوسیالیستی هستند که دست های یکدیگر را می فشارند. سال های طولانی مردم دو کشور و نیروهای ترقی خواه هجان در انتظار رجین لحظه ای بوده اند، و این لحظه را انجام فرار شده است.

در پی دعوت ریاست جمهوری خلق چین، میان گورباچف و تنگ شیائوینگ، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی از با نزدیک تا هجده ماهه (۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت) از جمهوری خلق چین دیدار رسمی به عمل آورد. پس از ۳۰ سال تیرگی روابط بین دو کشور، با دیدار رهبر شوروی از چین که رویدادی بزرگ و دیداری تاریخی خوانده شده است، بیخ قطور کودورت فمابین رویه دوز شدن نهاد و شرط دوستی و تقا هم همکاری انتقال میان دو کشور بزرگ سوسیالیستی دیگر بار به جریان افتاد. سران شوروی و چین بدون مکث روی مناسبات تیره گذشته، عزم کردند که مشترکاً به آینده بنگرند.

میخائیل گورباچف در سفر چقا روزه خود به چین موفق شد مذاکرات و تبادل نظرهای سازنده ای با رهبران چین، تنگ شیائوینگ، زاکوزیانگ، دبیرکل حزب کمونیست چین و لی پین نخست وزیر و همچنین رئیس جمهوری چین به عمل آورد. گورباچف در یک مصاحبه مهم مطبوعاتی با حضور خبرنگاران و بقیه در صفحه ۳

جنبش دموکراسی در چین

در نخستین روزهای اردیبهشت امسال، پکن و سایر شهرهای دانشگاهی چین شاهد تظاهرات وسیع دانشجویان بود. آغا زنگ هرات مصداق مراسم خاکسپاری "هاوکوفنگ"، دبیرکل سابق حزب کمونیست چین بود. هاوکوفنگ از رهبران محبوب حزب بود که به ویژه در میان جوانان به مبارزه علیه بوروکراسی و طرفداری از دمکراسی شهرت داشت. وی که در سال های "انقلاب فرهنگی" تحت آزار و بیکرد قرار گرفته بود، پس از مرگ ما تائو از پیروان سیاست رفرم های اقتصادی کشور بود و بعدها به مقام دبیرکل حزب کمونیست چین رسید. هاوکوفنگ در جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست در ژانویه ۱۹۸۷ برکنار شد. خیرگزار چین در آن زمان وی را به طرفداری از "لیبرالیسم بورژوازی" متهم کردند و نوشت: "مدتی است که برخی از اعضای حزب با نقض انضباط حزبی و اساساً همه حزب با این اصول به مخالفت برخاسته اند و از لیبرالیسم بورژوازی هواداری می کنند... آنها بقیه در صفحه ۵

سیاست جدید اقتصادی رژیم

سرانجام پس از گذشت نزدیک به یک سال شورای عالی بازسازی کشور طرح بازسازی ویرانی های جنگ را تنظیم کرد. این طرح پس از تصویب خمینی از سوی رئیس جمهور اسلامی که رئیس شورای عالی بازسازی نیز هست، جهت اجرا به دولت ابلاغ شد.

در این طرح شورای عالی بازسازی، خطوط کلی سیاست بازسازی کشور را تعیین و بخش های مختلف اقتصاد را برای این مینا تعیین کرده است. از قرار معلوم برنا به عمرانی ۵ ساله جدید کشور که از طرف هیات دولت به مجلس ارائه شده نیز بر مینا سیاست ها و اولویت های تعیین شده در طرح بازسازی تنظیم گردیده و بنا به اظهارات رفسنجانی با در نظر گرفتن این طرح بازسازی در مجلس حک و اصلاح خواهد شد.

هر چند جزئیات طرح مورد بحث روشن نیست اما کلیات و سیاست های ناظر بر آن با مراحت سمت و سوی سیاست های اقتصادی جمهوری اسلامی را مشخص می کند. این طرح حاصل نتیجه مذاکرات ماهه و جنگ و جدال های مسئولان حکومت پیرامون سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی و بنا بر گنجه و چگونگی بازسازی اقتصاد دبحران زده و مناسبتی ویران شده در جنگ است.

قانویت یافتن این طرح مبین آن است که سرانجام رفسنجانی و خاندانهای با حمایت خمینی، در پی جنجال ها و عواقم فریبی های تبلیغاتی ما ه های خیر و به دنبال برکناری مرعوب کننده منتظری، در یکی از مهم ترین عرصه های مورداختلاف بین سیاست های درون حکومت، یعنی مساله بازسازی کشور و به طور کلی تر سیاست های اقتصادی رژیم خط و نظر خود را پیش بردند.

بر اساس طرح قانونی بازسازی کشور، نقش بقیه در صفحه ۴

قانون کار همچنان در بن بست	در صفحه ۳
محکومیت مجدد رژیم توسط عفو بین الملل	در صفحه ۳
کوجانیدن اجباری کردهای عراق را محکوم می کنیم	در صفحه ۵
دستهای آمریکا از پاناما کوتاه!	در صفحه ۵
یاد نامه رفقای شهید محمدرضا گلپایگانی و پرویز الهی	در صفحه ۱۰

تکرام کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رابطه با سفر رفسنجانی به شوروی در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

بیام تلگرام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

زندان های ایران ، بسیاری از رهبران جنبش کمونیستی و کارگری و مترقی ، شخصیت های ملی، اجتماعی و فرهنگی کشور به چشمی خورد.

در رژیم جمهوری اسلامی همچنان کشور ما را در بر میگیرد جنگی نگهداشته است ، حالت نهمی نه جنگ مردم میهن ما را نگران کرده است . مردم ما سنگینی شیخ شومنگ را همچنان بر فراز کوه سوری احساس می کنند .

انتظار مردم ایران و همه احزاب ، سازمانها و نیروهای مترقی و دمکرات ایران از رهبران حزب

با احترام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ضمن استقبال از برقراری و گسترش مناسبات کشورهای سوسیالیستی با کشورهای دارای نظام های مختلف ، ضروری داندهند آستانه سفر آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران ، به اتحاد شوروی ، یادآور شد که :

کشتار زندانیان سیاسی ایران که طوسی ما هیا را اخیراً متداوماً تنها به چند هزار نفر رسانیده ، همچنان ادامه دارد . در میان قتل عام شدگان

درفم در رژیم ... تغییرات را به عین مشاهده کرد :

عناصر مرکزی در اصلاحات قانون اساسی موضوع رهبری سیاسی در کشور است . طبق اصل پنجم ، اصل یکم و هفتم و اصل یکم و نهم قانون اساسی ، در جمهوری اسلامی ، رهبری سیاسی امری انفکاک ناپذیر با رهبری مذهبی و در اختیار مطلقه ولی فقیه ، یعنی مرجع مذهبی است . در اصل ۱۰۷ ، تأکید شده است که در صورت فقدان "فقیه جامع الشرایط" ، به پایتخت "مرجع واجد شرایط رهبری" ، شورای رهبری را تشکیل می دهند . در اصل ۱۰۹ نیز تصریح شده است که نخستین و مقدم ترین شرط وقت رهبری اعطای شورای رهبری ، "صلاحیت علمی و تقوای لازم برای افتاء و مرجعیت" می باشد . این تصریحات به این معنا است که شرط رهبری سیاسی رژیم ولایت فقیه مرجعیت است . یعنی رهبری باید از میان آرایت عظیمات موقفیت انتخاب شود ، چرا که در طرح سابق خمینی برای حکومت اسلامی ، مجال سیاسی تابع مصالح شریعت بود که توسط فقیه ویا میزان فقیه تعیین می شد . امروز این عناصر مرکزی و نالوده ای در رهبری رژیم ولایت فقیه در معرض شبهه و انکار است . همه کسانی که با تاریخ جمهوری اسلامی آشنا می دارند ، می دانند که حتی تا قبل از سرکناری منتظری از مقامات جنبش ، کوچک ترین شبهه و انکار در این باره ، کفر محض و مصداق کامل غدایت فقیه به حساب می آید و صد نگران چنین طرز تفکری در معرض فشار و سرکوب قرار می گرفتند .

اما امروز چگونه است ؟ امروز ، آدمی مثل خوینیا ، داستان گل جمهوری اسلامی ، به صراحت تمام ، در مصاحبه با کیهان ، روزنامه رسمی کشور این سخنان را جار می زند :

"اطلا منطقی نیست که کسی بگوید شرط رهبری مرجعیت است !!!"

امروز ، روزنامه های رسمی کمونیست از ادله ای است که در اثبات درستی تفکر جدیدی مرجعیت از رهبری سیاسی ، دست آموزترین کارگران و خمینی به میان می کشند . شناخته شده ترین سخنگویان و نمایندگان جامعه روحانیون به شکل های مختلف از این فکر به دفاع برخاسته می گویند : "طرح این مسئله که رهبری حتماً باید از مراجع تقلید باشد طرح غیر ضروری است" ، "منحصر عادل برای رهبری کفایت می کند" ، "حتی منحنی سزای این اظهار می دارند : وحدت رهبری سیاسی با نیستی به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد ، که رهبری مذهبی اطاعت از رهبری سیاسی را یک امر واجب غیر قابل خدشه باشد" ، "رگان نماز به حساب آورد" . (۳)

در تمام این اظهار نظرها ، ظهور نما یگان و نیرومند رندی را می توان مشاهده کرد که بدون آنکه سلطه آوندها در حکومت را زیر سؤال ببرد ، در بی نهایت نقل رهبری از نهاد های مذهبی به نهاد های سیاسی است .

با برکناری منتظری ، آینه رژیم خمینی را باید بدون تمرکز قدرت در دست رهبری مذهبی و نظری خارج از حیطه رهبری مراجع تقلید باشد در نظر گرفت . "فاکت ها و شواهد تازه استنتاج ما را تأیید می کنند که اصلاحات قانون اساسی در موضوع رهبری ، در راستای به کرسی نشاندن این فکری است ، درود که "قدرت واقعی نه در دست یک فقیه جامع الشرایط" بلکه در دست یک "خونگ" سیاستمدار و دولت مرد " متمرکز شود ، در این فکر برخلاف طرح خمینی از ولایت فقیه ، دیگر سلسله مراتب حکومتی با همان سلسله مراتب اخوندی منطبق نیست ، بلکه مقامات اصلی حکومتی میان ملایانی که اساساً سیاستمدار و دولت مردند ، تقسیم می شود .

این در حقیقت جزئی است برای ولایت فقیه باقی نمی گذارد . به نظری سده خمینی چونسان موضوع صلح ، این بار نیز ناگزیر به چیزی کردن گذاشت که در محرم سال ۵۸ ، برای آرا کمیسردن مخالفان با نفوذ ولایت فقیه در اعلامیه خود وعده داده بود :

"اگر اشکالی باشد ممکن است در متمم کسه

و دولت شوروی در آستانه سفر رفسنجانی به مسکو این است که هر آنچه در امکان دارد تلاش کنید که مقامات ایران از آستانه کشتار زندانیان سیاسی و تشییع حقوق اولیایمانی درجا معما دست بردارند . نجات جان زندانیان سیاسی ایران و آزادی آنان را خواست هزاران هزاراً غمناک نوادگان زندانیان سیاسی و مردم سراسر ایران است .

ما انتظار داریم که تلاش شود رژیم های ایران و عراق به حالت بسیج جنگی در دو کشور خاتمه دهند تا آرامش واقعی و صلح برپا ربه هر دو کشور با زگرده و منطقه زبرو مجدداً فاجعه در میان نباشد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۸

فعالیت قوه قضائیه از نظارت قانونی مجلس همچنان مستثنی باقی می ماند انتخاب دمکراتیک هیات های منصفه ، علینتخابات و به رسمیت شناختن آزادی فعالیت قانون های دمکراتیک و کلاً ورعایت اصل برائت شهروندان و حق هرمنهیم در انتخاب آزادانه وکیل مورد علاقه خود ، همچنان محلی از اعراب نداشته باشد ، قوه قضائیه همچنان دیوان بلخ باقی خواهد ماند .

با جهت عمده دیگر تغییرات احتمالی در ساختار سیاسی ، کاهش نقش و مقام مجلس در جمهوری اسلامی است . این نیز یک شاخص در شناخت خصلت زنده نگار تیک پیش نویس متمم قانون اساسی است .

محدوده ای که برای اصلاحات قانون اساسی در نظر گرفته شده ، مناسبات متقابل مجلس و شوراهای نمایان را در بر نمی گیرد . در حالی که کما کما نمایان مجلس و شوراهای نمایان یکی از قانون اساسی بحران در رژیم ولایت فقیه بوده است . این نشان به آستانه زکافی گویا است و بیبا نگران است که مجلس بسا از تصویب پیش نویس اصلاحیه قانون اساسی نیز همچنان به مثابه آلت فعل فقهای شورای نگهبان مطلوب الاخیار باقی خواهد ماند و نقش و سنگسار آن در حیات سیاسی و اقتصاد کشور ، با زهم کاهش بیشتری خواهد یافت .

نشانده دیگر ، بحث های است که در مطبوعات رسمی جمهوری اسلامی درباره ضرورت کاهش تعداد نمایندگان مجلس به راه افتاده است . برخی از پرنفوذترین بهره های خمینی اظهار نظر کرده اند که عریض و طویل بودن مجلس اسباب بی احترامی و مسامحه از گرفتن سریع تصمیم ضروری است .

خمینی در فرمان خود خواستار تشییست قانونی "مجمع تشخیص مصلحت" شده است . او در عین حال به روشنی تأکید کرده است : "مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عریض قوای دیگر نباشد" .

تأکید خمینی در تشییست قانونی "مجمع تشخیص مصلحت" به مثابه یک قدرت مشورتی ، معنی دار است و در مجموع بیانگر قدرتی است که برای استقامت جای او پیشیند . باری ! همه شواهد حاکی از آن است که رهبری ضابطه ضعف و پراکندگی جنبش ترقی خواهانه مردم ایران ، آوندها فرصت یافته اند تا آنجا که می توانند بدون دادن امتیازی به مردم گریبان خود را از برخی مشکلات ناشی از ساختار حکومتی شان خلاص کنند و به نایب ترین برای ادامه حکومت خود مغری تازه بیگانه بند .

وظیفه مردم ما گسترش مبارزه علیه استبداد است . ما با ولایت فقیه یک "مجتهد" همان قدر مخالفیم که با ولایت یک "فقیه" . نباید اجازه داد که قدرت حکومتی در دست یک فرد متمرکز شود و سرشود مردم میهن ما با زیجای در دست این یا آن دیکتاتور باشد .

مردم از حکومتی دفاع می کنند که بر نظر رای و اراده آنها متکی باشد . در رژیم خمینی ، مردم در تشکیل اجتماعات آزاد نیستند ، به جای فعالیت آزادانه احزاب سیاسی ، سرکوب خوین نیروهای ترقی خواه و انقلابی ایران به پیش رانده می شود ، این به معنی مسدود بودن راه برای اعمال نظر ، رای و اراده مردم در تعیین سرنوشت خود و میهنشان است .

تا زمانی که چنین شرایطی بر مردم میهن ما حاکم است ادعای متکی بودن متمم قانون اساسی به آرای مردم ، دروغ ، سالیس وریای آوندهی پیش نیست .

مردم با آن متمم قانون اساسی کسه دیکتاتورها را بر سرنوششان حاکم سازد ، بیگانه اند و به آن رای موافق نخواهند داد .

- (۱) : محمد علی اسطی، عضو روحانیون مبارز و معاون بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- (۲) : آشتیانی ، نماینده امام در زاندارم .
- (۳) : حاجری شیرازی ، امام جمعه شیراز .

در نظر گرفته اند رفع شود ."

تا گذشته پیداست که گرایش تجدیدنظر در اصول رژیم ولایت فقیه علاوه بر الزامات تراجعه مسه سرمایه داری ، دارای محرک سیاسی است و از جنگ قدرت در هیات حاکمه سیراب می شود .

روزی ما اطلاعات به دنبال برکناری منتظری برای نخستین بار از صلاحیت رفسنجانی به عنوان جانشین خمینی سخن به میان آوردیم . اما این شکل طرح سالها مانده پدید آمد ، شواهدی از آن است که محافل حاکمه مصلحت را در این دیدگاه تدکسه تثبیت مقام موقعیت رفسنجانی را با به فرجه سام رساندن تمرکز در مدیریت قوه مجریه به سود مقام ریاست جمهوری حل و فصل کنند .

مطبوعات از قول با نفوذترین شخصیت های رژیم این بحث را به میان آوردند که : "باید دست نخست وزیر در ریاست جمهوری ادغام شود" . آخوند خا منهای در نماز جمعه ۲۹ اردیبهشت تأکید کرد که رئیس جمهوری آینده را باید برای اختیاری وسیع باشد دست نخست وزیر نیز با بندخت شود . او در همانجا از نامزدی رفسنجانی برای ریاست جمهوری پشتیبانی کرد . گفته می شود که نخست وزیر هم چنین ادغامی موافق است ، زیرا که بسیاری از مشکلات اجرایی گذشته را از میان برمی دارد ، اگر این فکری را ندهد ، و ما له تمرکز در مدیریت قوه مجریه به شکل سرباز آوردن رئیس جمهوری کسه قدرت است به نفع خواهد رسید ، این کسه موقعیتی که رفسنجانی در حکومت داد نیز سازگار است . تا بدیهه همین دلیل نیز با شد که مزه مسه ریاست جمهوری او ، اکنون دیگر به آوازی بلند تبدیل گردیده است . جامعه روحانیون با ساسی جامعه روحانیون سازگه نما بندگی ساسی آوندهای کشورهای برعهده دارند ، او را به عنوان کاندیدای خود را انتخابت ریاست جمهوری آبنده معرفی کردند . سران از این نیز با صدور اعلامیه ای به این انتخاب تثبیت گفتند .

به این ترتیب هم موضوع رهبری و هم مساله تمرکز در مدیریت قوه مجریه ، در اصول و در شکل عملی - سیاسی آن ، آندانده را به ایض و فوج پید کرده است .

اما بیین تغییرات در دیگر موارد قانون اساسی به جهت ترتیب پیش رانده می شود ، آلت نشه اطلاعات در موارد دیگر را با بدناج کیفیت تغییرات شناخته که در موضوع رهبری و تمرکز در مدیریت قوه مجریه به عمل می آید . با این حساب بررسی تغییرات احتمالی در دیگر موارد به درک روشن تر ما هیات پیش نویس اصلاحیه قانون اساسی کمک می کند و تا ای زمانه به نیست .

قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران مصداق کامل دیوان بلخ است و به تمام معنی خصلت بدوی و قرون وسطایی دارد . این قوه در رژیم خمینی خارج از حیطه هرگونه نظارت قانونی است و تشکیلات آن هم در برابر هیچ نیرویی مسئول و پاسخگو نیست . آنچه که در قوه قضائیه عمل می کند توحش و سربریت است . اصل ۱۶۴ قانون اساسی به ترتیبی تنظیم شده است که در عمل ، هیچ قاضی را نمی توان به خاطر تملق و تخلفش ، به طور موقت یا دائم بازخواست و منقل کرد . به این دلیل و به هزارویک دلیل دیگر در جمهوری اسلامی هیچگونه امنیت قضایی وجود ندارد .

در حالی که طبق اصل ۶۱ "اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است" ، همه مسئولیت ویردادگستری به موجب اصل ۱۰۶ در حیطه روابط با قوه مقننه و مجریه خلاصه شده است . اصل ۱۵۷ هم شورای عالی قضایی را "با آخرین مقام قوه قضائیه" می شناسد و این در حالی است که مسئولیت شورای عالی قضایی در قبائل مملکتدین قسوه و امنیت قضایی در کشور به هیچ ترتیب معلوم نیست . تمرکز در مدیریت قوه قضائیه با استناد به الفام مدیریت شورای عالی قوه و تمرکز ساز دارد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در دست یک نفر می باشد . آنچه که مشهود است تحکیم سلطه آوندهای سازمان قضایی کشور است . در جمهوری اسلامی ، اصل برائت به نحو خشنی نقض می شود و قضاوت بسیر اساس قوه و رای قاضی شرع است . تا زمانی که

شناختن موازین حد اقل دستمزد هم نکشت نما باشد. با آنطور که کارگران در گران نون نورا های استان خراسان به درستی گفتند: "قانون کارگران کسری کنند که کارگروقتی که خارج شجره چه هم باشد، کارگران علاوه بر مرخصی نرود و کارگران در هضم در کارخانه وضع حمل کنند!

در گذشته های این ماه ها تنگی نورا های اسلامی کارستان خراسان در آذرماه ۶۷، یکی از کارگران گفت: "یعنی از نمایندگان مجلس بار ما لاسی قانون کار را ۶۰۰ میلیارد تومان بر آوردند، این که مهم تر آن است، بار ما برای ۳۰ سال محاسبه کرده اند، یعنی از سر شروع کار تا بازنشستگی، در حالی که گرمی خواستند منصفانه برخورد کنند با پدیداری یک سال محاسبه می شد. چرا که بودجه هر سال مخصوص همان سال است."

کارگران تمهیداتی را که برای فریب دادن آنها تا آنگاه توجیه مشروعیت دفاع از منافع سرما پیدا ران به کار گرفته می شود، افشا کردند.

مجمع تشخیص مصلحت رژیم در دفاع از منافع سرما پیدا ران به ویژه کلان تجار، با این توجیه که "اجرای قانون مصوب مجلس بر سر راه انتقال سرما به آنها از بخش خدمات به بخش تولید سنگ می اندازد"، این قانون را در گردوخیمی با تأیید طرح با سازای کشور و واگذاری واحدهای اقتصادی غیراستراتژیک به بخش خصوصی، برای رسیدن اقدام مجمع تشخیص مصلحت مهرتا ثبت گردید و راه را برای مسخ کامل همین قانون عقب مانده نیز هموار کرد.

تجربه ده ساله کمیته جمهوری اسلامی نشان داده است که توجیه به پیوسته شرایط کار روزندگی زحمتکاران در قلموس خدمت آفرینی جای نمی دارد، با عکس این رژیم در غارت و کشتن ویی خان نماان کردن بدظلولایی دارد.

تجربه ده ساله خیبر در عین حال به خوبی نشان داده است که کارگران علی رغم همه توطئه ها و تضییقات، مبارزه برای احقاق حقوق خود به ویژه حق برخورداری از قانون کار، در مبارزه با متوقف نگردیده و نخواهند کرد. پیشروان و فعالین بخش کارگری به ویژه هسته های مخفی کارگری با پیوسته توطئه خیریمینی و مجمع تشخیص مصلحت علییه کارگران و زحمتکاران را قاطعانه افشا کنند و پیگیری نه در جهت سازماندهای کارگران را پیگیری استیجابی به قانون کار در مبارزه با برداری می کنند.

طرفین بر این باورند که مبنای حقوقی مستقل، طرفداران علی، بی طرف و غیر متعهد خواهد بود، با چنین اهدافی خواهان مصالحه ملی بسا شرکت چپا رحریان موجود در کار مبنای موجود است. اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین معتقدند که هر چه سریع تر با بدگنفرایی بین لمللی برای اخلال مسئله مبنای تشکیل شود. طرفین در آینده تمام تلاش مشترک خود را به کار خواهند گرفت تا مسئله مبنای به شیوه های عادلانه و معقولانه با وسایل سیاسی حل و فصل شود.

طرفین موافقت می کنند که تدا بیسری برای محدود کردن قوای نظامی در مناطق مرزی دو کشور تا حد اقل ممکن اتخاذ شود. طرف چپین از اعلامیه و آغز خروج ۷۵٪ از قوای اتحاد شوروی از خاک جمهوری خلق مغولستان استقبال می کند و امیدوار است با قیام نه قوای شوروی در مدتی نسبتا کوتاه به طور کامل از مغولستان خارج شود.

طرفین معتقدند که مسایل مرزی دو کشور که ریشه های تاریخی دارند باید به شکلی عادلانه و معقولانه بر مبنای قرارداد دپیرامون مرزهای کنونی چین و شوروی حل و فصل شود.

طرفین معتقدند که مسایل مرزی دو کشور از زخم شدن اوضاع اقتصادی کشورهای در حال رشد و بیشتر شدن اختلاف شمال و جنوب و جاد تر شدن مسئله قروض مالی اظهار نگرانی می کنند و معتقدند که مسئله نظم نوین اقتصاد با تأمین منافع خلق های کشورهای مختلف به مسئله مهم تبدیل شده است.

شوروی و چین طرفداران بالرفتن اتوریته سازمان ملل متحد هستند، این سازمان باید نقش فعال تری در حل مسایل بین المللی ایفا کند و همه دولت های جهان (کوچک و بزرگ، ضعیف و قوی) حق مشارکت برابر بر حقوق در حیات بین المللی را دارند.

دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین وعادی شدن مناسبات شان در سراسر جهان با انعکاس مثبت مواجهدر دیدار موردا استقبال محافل اجتماعی، احزاب و دولت های گوناگون قرار گرفت و آنسترا یک واقعه بزرگ و یک دیدار تاریخی در حیات دو کشور بزرگ سوسیالیستی دانستند. امید می رود که آغاز همکاری ها و توافق ها میان جدید بین جمهوری خلق چین و اتحاد شوروی در جهت سازماندهای مناسبات و روابط بین المللی و تأمین صلح و امنیت جهان به ویژه اوضاع منطقه آسیا و قیام نوسان آرا متا ثیرات مثبت خود را بر جای خواهد داد.

مطرح می گردد، نتیجه ای جز سرگردانی و شوا بر برای کارگران نداشت و خیلی بی تفاوت از کشتن نظام آن می گذردند...

این گوشه ای از برده است که در یک نشریه رسمی رژیم لارفته و نگرش کارگران را نسبت بسسه واقعیات تلخ جامعه ما نشان می دهد.

کلاف سردرگم اقتصاد دکتور بحران زده رژیم آفرینی قطعا با بی اعتنایی به مطالبات مبرم و اساسی طبقه کارگر، با زهم پیچیده تر و سردرگم تر می شود. عدم تصویب این قانون حتی توان رسیدن بر ما مریزی های دیگرو رژیم را نیز عقیم گذارند. با در اجرا با مشکلات روبرو می کند. به عنوان مثال یکی از مشکلات اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد - قطع نظر از مضمونش - آن بوده که کارگران منتظر تصویب قانون کار بوده اند تا مسئله حق سنوات کارگری روشن شود و آنها تصمیم بگیرند که آیا متقاضی بازنشسته شدن پیش از موعد میشوند یا خیر. با عدم تصویب قانون کار این بلا تکلیفی ها نیز کمکان برجای خود باقی است.

قانون کار همچنان در بن بست

اما سوال اصلی کارگران این است که دلیل بازگرداندن لایحه قانون کار به مجلس شورای نگهبان چه بوده است؟ آنچه که تا به حال عنوان شده، این است که اجرای قانون کار مصوب مجلس از یک سو با استکین مالی برای دولتست همراه خواهد داشت و به دلیل همین بار مالی موجب خودداری سرما پیدا ران از سرمایه گذاری در بخش های تولیدی اقتصاد کشور خواهد شد. این دلایل به قدری بی پایه است و آنچنان بی توجیهی نیست به منافع کارگران آقا مه شده که صدای و استکان رژیم نیز در آورده است.

کسانی که این قانون را خوانده باشند، متوجه شده اند که در آن هیچ حقوق فوق العاده ای برای کارگران پیش بینی نشده که اختصاصی با رمالی سنگینی را ایجاد کند. مگر آنکه جمهوری اسلامی بخواد هم در نظر کارکنان کشور عموما زمان بین المللی کار را است که قانون کار اسلامی اش حقوق کارگران را در زمره دیون محتازه کار فرمایان به شمار نیاید و در تنها کسوری در چرخان با شکره و نظریه رسمی است.

هیچکس نمی تواند مدعی در انحصار دانستن حقیقت باشد و در تمام اطلاعات برای غنا بخشیدن تجارب یکدیگر تا یکدیگر دید، گفته شد که مقایسه دیدگاه ها و همسویی ها در حل مسایل مبرم با بیدر خدمت متد های ما رگسیتی و برای تیک با تخنن سوسالیسیسم و نیوسازی و اطلاعات آن قرار بگیرد برای یافتن اشکال و متد های متنوع رشد سوسالیستی تبادل نظر و انتقال تجربه مبرم ترید.

در پایان دیدار کار با جف از چین بیانیه مشترکی منتشر گردید که فرشته موارد مهم تر آن در زیر می آید:

طرفین متفقا اعلام می کنند که مذاکرات در خدمت عادی کردن روابط دو کشور و در پاسخ نیازه ها و منافع بنیادی و آمل خلق های اتحاد شوروی و چین و استقرار روح فاطم صلح در جهان است.

اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین بر اساس موازین برابری و بیغ متقابل به شکل فعال و همه جانبه، روابط و همکاری در عرصه های اقتصادی، تجاری، علمی، تکنیکی و فرهنگی و... را تکامل خواهند بخشید.

هر دو طرف معتقدند که صلح و ترقی دو مسئله اساسی جهان معاصر است و از روزه های تشخیص پذیری در سطح بین المللی استقبال و در آن مشارکت می کنند و با ارزیابی مثبت از اقدامات کشورهای مختلف برای محدود کردن تسلیحات و درگیری های منطقه ای، هر یک به توبه خود به تلاش های خود در این عرصه شدت خواهند بخشید.

اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین فعالیت مشترک در راستای سازماندهای ریشه ای اوضاع جهانی را ضروری می دانند، با این هدف، اتحاد شوروی برای گسترش نو اندیشی سیاسی در روبا بسسست بین المللی و چین برای استقرار نظم نوین سیاسی در جهان مبارزه می کنند.

اتحاد شوروی اعلام می کنند که در سیاست خارجی متکی بر آن است که صلح بالاترین ارزش ها است و در راه صلح واقعی (و از جمله سلاح های هسته ای) تلاش می کند، بر تقدم ارزش های عمومی بشری و مسایقه صلح میزبسیست های مختلف اجتماعی اقتصاد در شرایط انتخاب آزاد و عادل منافع، تا کید دارد. طرف چین تا کید می کند که جمهوری خلق چین سیاست خارجی مستقلانه، غیر وابسته و صلح آمیز را دنبال می کند و به طور قاطع بر این موضع استوار است که در اتحاد با هیچ کشوری وارد نشود.

اخبار مندرج در نشریات جمهوری اسلامی حاکی از آن است که "مجمع تشخیص مصلحت نظام" از تصویب قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی خودداری کرده و آن را برای بررسی مجدد به مجلس شورای نگهبان عودت داده است. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که زهرگوشه و کنار کشور و حتی از طریق مجاری رسمی و قانون های علیی جمهوری اسلامی، از جمله در نشریه "کار و کارگر" نیز مطالبه کارگران از منعی بر ضرورت تصویب قطنی و اجرایی بی درنگ قانون کار و سوسیا با زتاب یافته بود. از چند ماه قبل از دهمین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، برخی شورا های اسلامی کار، قانون های هما تنگ شورا ها و دیگر مجامع کارگری رسمی، نامه ها و طوهارا می متعددی برای مجمع تشخیص مصلحت فرستاده و در خواست کرده بودند که به عنوان "هدیه دهه فجر" به کارگران، قانون کار را تصویب کند. این مجمع که عمدتا به منظور رفع اختلافات مجلس و شورای نگهبان و شکستن بن بست تصویب قانون کار اسلامی، تشکیل شده بود، در برابر فشار های روز افزون سرما پیدا ران و کلان تجاری که دست انداز برای بلعیدن کارخانه ها تیز کرده اند، تسلیم شد و با این درکل ماند.

همچنان که با رها گفته ایم، لایحه قانون کار مصوب مجلس نه تنها قانون مناسبت نیست بلکه به لحاظ اشکالات عمده ای که در زمینه تسهیل شرایط اخراج کارگران، عدم پاسخگویی به مسئله تسلیحات کارگری، و بر مسیبت نشناختن حق اعتصاب، نگنجاندن حقوق کارگران در زمره دیون ممتاز که کار فرمایان و غیره دارند، این قانون کار را است عقب مانده، اما با وجود این اشکالات عمده در حالی که کارگران روز به روز در برابر فشار کارکنان، تورم و اقتصاد بحرانی زده می آیند رژیم بیشتر له می شوند، در حالی که حقوق آنان و رژیم سیم سابق بر مناسبات کار کم تر می آید و عموما از نانی از آن همراه با تضییقات دیگری که رژیم فعلی به وجود آورده، گریزناک نظر طبقه کارگر است، با زهم رژیم حاضر ندمه ای در جهت تصویب و تعدیل مشکلات کارگران و زحمتکاران بردارد.

در گفتگویی با اعضای کمیته ما من اجتماعی قانون هما تنگی شورا های اسلامی کارستان تهران در نشریه "کار و کارگر" درج شده، یکی از کارگران گفته است: "جامع کارگری از خود سوال می کند چرا زمانی که کوچکترین مسئله کسری مطرح می گردد خیلی سریع بررسی و حل می شود ولی زمانی که مهم ترین مسئله کسری زحمتکار (یعنی قانون کار)

حکومت مجدد رژیم توسط عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای در مورد نقض حقوق بشر در جهان، یک بار دیگر جمهوری اسلامی را به خاطر اعمال شکنجه و اعدام زندانیان شدیداً محکوم کرد. عفو بین الملل در گزارش خود، چند کشور جهان را به خاطر اعمال مجسبات اعدام محکوم کرد.

در گزارش گفته شده است که در ایران، عراق، بنگلادش، پاکستان و آمریکا مجازات اعدام در مورد جوانان نیز به کار برده شده است. در این گزارش جمهوری اسلامی به عنوان رژیم کسند شدیدترین شکنجه را علیه مخالفان سیاسی اعمال می کند، محکوم شده است.

حکومت جمهوری اسلامی از سوی مجامع بین المللی به صورت آفری همیگی وعادی در آمده است. طی ده سال حکومت آفرینده، اعتراضات بین مجامع علیه جنایات رژیم بی دربی تکرار شده است، در اثر فشار های نیروهای سیاسی ایران و مجامع بین المللی جمهوری اسلامی در آفرینار عمومی جهان به عنوان رژیم وحشی ویی اعتبار به بدبختی ترین و ابتدایی ترین موازین انسانی و رژیم شکنجه گرو تا ریک اندیش شناخته شده است.

جمهوری اسلامی چهره تروریستی خود را چه در رابطه با مردم ایران و چه در مقیاس بین المللی با رها ویا رها بی پروا و هربا ربا و حتی بیشتر به نمایش گذاشته است که آخرین نمونه تنگ دستورا العمل تروریستی رفسنجانی به مرده فلسطین علیه شهروندان آمریکایی، فرانسوی و بریتانیایی است.

دیدار تاریخی... بقیه از صفحه اول

نمایندگان خبرگزاری ها و جراید مهمه داخلی و بین المللی بیرون مسائل مهم جهان و از جمله مناسبات اتحاد شوروی و چین شرکت کرد. وی طی ایقا مشن در چین با محافل اجتماعی و مردمی صمیمانه گفتگو و بر داخت و از نشانی نسیسز با زدید کرد.

مسئله اساسی در دیدار رهبری شوروی با مقامات چین، تا کید بر عادی شدن مناسبات احزاب و دولت ها میان و ریبختن پایه های اتحاد جدیدی بود که منافع طرف ثالثی را به مخاطره نمی اندازد و علیه آن نیست. در دیدار کار با جف و زارنوزیا تنگ دبیران کل دو حزب، خاطرنشان شد که

بن بست مذاکرات صلح ایران و عراق

طی ماه گذشته مذاکرات ایران و عراق زیر نظر دبیرکل سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شد. این مذاکرات بدون نتیجه ملموس پایان یافت. از آغاز مذاکرات دو کشور نتایجی که به دست آمده بسیار ناچیز بوده و مذاکرات عملاً در بن بست گرفتار آمده است. اکنون سازمان ملل متحد تلاش می کند که بن بست مذاکرات شکسته شود.

تاکنون موانع موجود نگذاشته اند که به مذاکرات درجهت حل و فصل مسأله امتیاز اختلافات دو طرف پیش رود. این وضعیت نتیجه امتناع طرفین در رفع این موانع است. در میان مجموعه عوامل مایل به آزارند، امتناع عراق از پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره به عنوان مبسای مذاکرات، نقش درجه اول را ایفا می کند. رژیم عراق هنوز حاضر نشده است که ادعای مالکیت بر اروندرود را کناره بدهد. علاوه بر آن عراق هنوز حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع آزارهای ایران را که در آخرین روزهای جنگ اشغال شده، در اشغال دارد و از خارج گسترده نیروهای خود را در مناطق خودداری می کند. در مقابل جمهوری اسلامی نیز آزارها را از آزارهای عراقی قطع و بازرسی گشتی ها در خلیج فارس امتناع می کند. همچنین با بدبختی وری کرد که هنوز حالت سیخ جنگی در هر دو کشور حفظ شده و هر دو رژیم نیروهای نظامی خود را آماده نبرد نگه داشته اند.

امتناع عراق از تخلیه مناطق اشغالی، نقض اشراکات و مفاد قرارداد ۵۹۸ است. این عهد شکنی عراق را یکی گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی در مذاکرات است. این عهد شکنی به رژیم خمینی بیانه می دهد که با آزادسازی همه اسرا و مناقضت نکند و از برتری تعداد اسرای عراقی برای گرفتن امتیاز از طرف مقابل سوء استفاده کند. با بدبختی کرد که گروگان گرفتن اسرای جنگی غیر اخلاقی ترین کار در رژیم است. آنها حدود ده هزار انسان را که به خاطر جنگ بیهوده گرفتار شده اند، وسیله مصلحت گزینی کرده اند.

وضعیت فعلی در روابط دو کشور، وضعیت نه جنگ و نه صلح است و نمی تواند برای همیشه ادامه یابد. طرفین باید این وضعیت را به سود استقرار صلح بین دو کشور تغییر دهند. ادامه بن بست مذاکرات و حفظ حالت نه جنگ و نه صلح به زیرسیاسان ملت های ایران و عراق است. این وضعیت باید از اساسی دگرگون شود و روابط حسن همجواری و منگی بر عدم مداخله و توسل به زور در حل اختلافات، بین طرفین برقرار شود. سران دوررژیم باید استقرار صلح با ایران دو کشور را بپذیرند.

اهمیت مذاکراتی در این است که آیا موفق می شود بن بست موجود را بشکنند یا خیر. برای گشایش راه موفقیت مذاکرات، طرفین باید مذاکرات و حفظ حالت اقتصادی فیما بین را که محصول هشت سال خونریزی است، تشدید می کند و طرف مقابل را به انجام اقدامات تلافی جویانه تشویق می دارد. خودداری کند، سیخ نیرو و حالست جنگی را قطع کنند، حل همه اختلافات آزارها مذاکره و پذیرند و قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبسای مذاکره قبول کنند. قطعاً تا ۵۹۸ شورای امنیت زمینه جهانی حل اختلافات را فراهم کرده است، طرفین باید آن را بدون قید و شرط بپذیرند. اجرا بگذارند.

در لحظه کنونی، برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ و گشودن راه صلح، آزاد کردن همه اسرای جنگی توسط دو طرف و تخلیه مناطق اشغالی توسط عراق نقش جدی دارد. عراق باید بدبختی کرد که نیروهای خود را از ایران خارج کند و در پیشبرد مرزهای بین المللی مستقر سازد. طرفین باید بدبختی کرد که تحت نظارت ملیت سرخ جهانی اسرای جنگی را بدون قید و شرط آزاد کنند و با زکشت دست و پا طلبان آنها را به میهن شان تا مین نخواهند. مراجع بین المللی نظری به ویژه سازمان ملل نباید اجازه دهند که دوررژیم جان انسان ها را وسیله مصلحت گزینی قرار دهند. در این زمینه همه دولت ها و مراجع بین المللی مسئولیت دارند. مردم ایران از همه دولت ها و مراجع جهانی به ویژه شورای سازمان ملل متحد می خواهند که دو حکومت را برای شکستن بن بست مذاکرات و انعقاد قرارداد صلح تحت فشار بگذارند.

بن بست مذاکراتی در این است که آیا موفق می شود بن بست موجود را بشکنند یا خیر. برای گشایش راه موفقیت مذاکرات، طرفین باید مذاکرات و حفظ حالت اقتصادی فیما بین را که محصول هشت سال خونریزی است، تشدید می کند و طرف مقابل را به انجام اقدامات تلافی جویانه تشویق می دارد. خودداری کند، سیخ نیرو و حالست جنگی را قطع کنند، حل همه اختلافات آزارها مذاکره و پذیرند و قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبسای مذاکره قبول کنند. قطعاً تا ۵۹۸ شورای امنیت زمینه جهانی حل اختلافات را فراهم کرده است، طرفین باید آن را بدون قید و شرط بپذیرند. اجرا بگذارند.

برای سر به نیست کردن هزاران انسان آزاده که با رژیم خون ریز خمینی مخالف بودند. تا نیسا، وزارت اطلاعات و دستگاه جبهتی ساوا مملو است. آزارها و نفوذی های "سیا"، همه می دانند که بخش های دست نخورده ساواک یکی رجه با ساوا ممنتقل شد و کارکنان ساواک که جیره های کسار آزوده "سیا" هستند، در خدمت دستگاه های سرکوب رژیم به کار گرفته و استخدام شدند. این استبداد رژیم در سازمان های اطلاعاتی و امنیتی رژیم خمینی، ادعای ری شهری مبینی بر کشف و تلافی شکیه عظیم جاسوسی آمریکا را به گزافه گویی مسخره ای تبدیل می کند.

تا نسا، زمان دستگیری ها با توجه به سرکوبی منتظری و با لاکو فتن جنگ قدرت در حکومت بیشتر این اراکانات است که گندکده این تمام بش برای برده پوشی منازعات درون هیات حاکمه و توجیه سرکوب مخالفین، بروی محتسب آورده شده است. این سرکوب با زداشت ها زمانی صورت گرفته است که دوررژیم هنوز نتوانسته است پیروان منتظری را نسبت به مشروعیت عزل او قانع سازد. علاوه بر آن رفسنجانی برای ریاست جمهوری حیز برداشته و در این رابطه به خاموشی کردن اعتراضات پیروان منتظری و حتی جلب حمایت آنان نیاز مند است. از این رو همزمانی های مزورانه و انجام اقداماتی از سوی رفسنجانی که جیره اورا بین پیروان منتظری را بی دهد و آزارها را بفرساید، مورد تیا زاوست. دستگیری و زداشت عدای به عنوان جاسوس آمریکا، یکی از این اقدامات است. با نگویند که یکی از انگیزه های رفسنجانی در اعلام جنگ علیه "دحجاب ها" و "دلسوزی برای جنس فلسطین از طریق ترغیب میسارزان فلسطینی به ترور شهروندان برخی کشورهای غربی همین جیره آرای، منحرف کردن اذهان عمومی و فریب هوا داران و معترض منتظری و خالی کردن زیر پای او بوده است.

قطع نظر از اینکه یکی از فعالیت های دایمی غرب به ویژه آمریکا در ایران، کسب و کارهای جاسوسی خود در رژیم سیاسی کشور و به ویژه در میان ارتش و سپاه و وزارت خانه ها است، دستگیری های اخیر، یوری تا دوررژیم علی حده مخالفان خود در ارتش و وزارت خانه ها، موبد تشدید خلقان، سرکوب و دیکتاتوری توسط ناندجا کسب می یابد.

سازمان ما صدور حکم اعدام افسران ارتش توسط رژیم و محکوم می کند. اعدام مخالفان سیاسی و عقیدتی، عملی و وحشیانه و غیر انسانی است. محو فیزیکی مخالفان سیاسی و عقیدتی با شتون انسانی و با تمدن بشری بیگانه است. سلب حق حیات از کسانی که دارای وجدان و معتقدات سیاسی دیگری هستند و در راه دلائل می یابند، غیر تمدنانه و وحشیانه است.

به نظر سازمان ما اگر اقدامات جاسوسی مطرح باشد، باید در درگاه و کلیه و با حضور وکلای مدافع متهم مورد ادراستی قرار گیرد و زمانی که چنین اقداماتی با اذعان کفی اثبات نشده است، اصمیل بر ائت مورد متهم باید به طور کامل رعایت شود و حقوق اومری گردد.

به طریق اولی اگر با سر به دوررژیم سلطنتی نیز مطرح باشد، با بدبختی کرد که صرف اعتساست و جانبداری از دوررژیم سلطنتی بران نیست. کسی را نباید بدلیل اعتقاد دینا بن آن رژیم تحت فشار یا بیگردد و در اذیان زداشت و عدا محموم. ما خواهان تا مین و تضمین حق آزادی فعالیت سیاسی برای همه احزاب، سازمان ها، شکل ها، جمعیت ها، کانونها و شخصیت های سیاسی کشور قطع نظر از معتقدات سیاسی و مسلکی شان هستیم که می گویند مردم را با فعالیت سیاسی جذب اهداف و ایده آل های خود کنند. تصریح این مواضع از سوی ما به این معنا نیست که ما با دوررژیم سلطنتی مخالف نیستیم. ما با دوررژیم سلطنتی مخالف هستیم. مخالفت ما به این پسین دلیل است که اولاً، کشور ما استبداد زده و فاقده سنت های دیمکراتیک است. در چنین کشوری اگر مقامات ملی کشور و لشکری توسط مجلس نمایندگان مردم (مجلس شورای ملی) انتخاب شوند، زمینیه خواهد بود که انتقاد در آن مجده برقرار کنند. تجربه بیلهوی ها و حکومت بر آن آنها این را یک بار اثبات کرده است. این واقعیت تاریخی در کشوری اتفاق افتاده است که طبق قانون اساسی، بی پایه است رژیم سیاسی اش سلطنت مشروطه باشد. هم در شاه و هم پسر او سگند یا دکرده بودند که به قانون اساسی که تصویب می کرد "شاه با سلطنت کند و نه حکومت". وفا دار باشند، اما آنها بددیکتاتورهای خون ریز تبدیل شدند.

تا نسا، کارنا مه نیم قرن با دشا ی خاندان پهلوی، از بی عدالتی و مستکبری مملو است. با دشا ی خاندان پهلوی نیز برای مردم ایران جز تشدید بهره کشی و غارت و عمیق تر کردن شکاف میان فقیر و غنی نصیبی نداشته است. می باید به افسان ملی و تحکیم سیستمنا استعمار امپریالیسم در

کشور، به سود منافع چپا و لگرنه انتصارات غربی و به ویژه آمریکایی، به منظور غارت مناسبت و ثروت های ملی میهن ما و تحریک ارزش های بالنده معنوی و فرهنگی مردم ما، از کار پاره های حاکمیت ده ساله پهلوی ها بوده است. ثالثاً، مردم ما طی قیام ۲۲ بهمن و مبارزات سیاسی و اجتماعی سال های نخست انقلاب رژیم سلطنتی و ملاحضات خاندان پهلوی را مردود اعلام کردند. اگر پسر شاه به آراء و نظر مردم با بیعت و معتقد است، نخستین شرط، کناره گذاری عنوان خود بوده است "شاه" است. مگر مردم او را به شاهی برگزیده اند که او خود را "شاه جوان" و "شیریار" میسارزان می نامد! مگر مردم با نثار جان و عزیزانشان به رژیم شاهنشاهی "نه" نگفته اند؟ آیا این است اعتقاد دین مردم ما؟ از این جا است که به نظر ما ادعای آقای رضا پهلوی در زمینه مراجده به آراء عمومی مردم ایران برای ردیاتاشیدر رژیم سلطنتی نیز، اساساً بلا موضوع است.

آری ما همانگونه که با دوررژیم مذهبی و استبدادی مخالفیم، با دوررژیم سلطنتی نیز مخالفیم. ما طرفدار جمهوری مردم خود هستیم. ما در راه حاکمیت جمهور مردم ایران مبارزه می کنیم. تا بدین تا گشته گذشت که رضا پهلوی هوا داران و همجنان در برابر سرکوب نیروهای چپ توسط رژیم سکوت می کنند، بخشی از آنان حتی از اعدام انقلابیون جنا اظهار شادمانی می نمایند. شمرط مقدم پایدنی سازمان ما در این است که از آنجا که فعالیت همه نیروهای سیاسی کشور با نام و مشخصات دفاع کنند و سرکوبی های رژیم علیه ما نیز، چپ ایران را نیز به طور مشخص و با تضمین شناخته ساز ما می یابند و محکوم کنند.

سیاست دولتی... بقیه از صفحه اول بخش دولتی در اقتصاد دین میزبان قابل توجهی گاهش خواهد یافت و از کنترل دولت بر صنایع و بازرگانی داخلی و خارجی کشور گاهسته خواهد شد. مقرر شده است که دولت طی مدت معینی تمام واحدهای تولیدی و خدماتی به اشتراک صنایع کلیدی نظیر ذوب آهن و نفت و... را که به هر نحوی زیر کنترل آن قرار دارد به بخش خصوصی واگذارد و با پیوستن فروش کردن نفت با سایر منابع طبیعی و معدنی کشور مخرج اجرای طرح را تا مین نماید.

همچنین خمینی طی فتوای اجازه گرفتن وام از کشورهای خارجی برای تا مین هزینه های بازاری و بهبود وضع اقتصاد دین زده کشور را ماکر کرده است.

سیاست های ناظر بر طرح بازاری و سمت گیری اقتصادی جدید جمهوری اسلامی گندکشتون قانویت با فتوای حکم اجرای آن ماکر شده است، در واقع پاسخ به خواست تجار بزرگ و حامیان آنها است که زسال ها پیش خواهان تسلط بر همه امور اقتصادی ای کشور بوده اند. یکی از خواسته های همیشگی تجار بزرگ این بوده است که اداره اقتصاد کشور به آنها سپرده شود و از این زاویه با دولست موسوی مخالفت می کردند. این خواسته همیشگی او را خرید بزرگوار شد. عسکراولادی، نماینده و حامی شناخته شده تجار بزرگ بازاری، چندی پیش طی مضامین اعلام کرده: بسیاری از مشکلات موجود با سپردن امور اقتصاد ای کشور به بخش خصوصی قابل حل است. او افزود که: ترمیم خرابی های ناشی از جنگ بدون استفاده از منابع خارجی امکان پذیر نیست، او همچنین خواهان احیای تمام و کمال بخش خصوصی شد. تصمیمات اخیر شورای بازاری و تا گید خمینی موبدان است که رفسنجانی و حامیانه ای با حمایت خمینی به این خواست پاسخ مثبت دادند. آنها در یکی از مهم ترین عرصه ها یعنی سیاست ها و امور اقتصادی کشور که سال ها بر سر آن اختلاف نظر وجود داشت، سیاست اقتصاد دین طرفداران دولت را از سر راه برداشتند و بر جدی ترین خواست و منافع تجار بزرگ کردن نهادند.

اکنون سیاست و سمت گیری اقتصادی رژیم خمینی کاملاً صراحت یافته است، سپردن بخش مهمی از امور اقتصاد ای کشور به دست تجار بزرگ و تا مین و تضمین منافع حال و آینده آنها. این در حالی است که نقش و چگونگی تا گید دینت بر اقتصاد دین کشورنا مشخص است. این سیاست به زیمان زمینکشان میهن ما است. چنین سیاستی در خدمت حفظ رژیم و برای فرار از بحران اقتصادی گسترده ای است که جمهوری اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کند.

طرح قانونی بازاری که سرکوب جهت اجرا به دولت ابلاغ شده است نشان می دهد که سران جمهوری اسلامی در پی آن نیستند تا با سیخ همه امکانات ملی، استفاده از درخور و برینا مه بریزند تا آنها استفاده از همه منابع و امکانات همکاری بسایر کشورهای خارجی در چرا خوب مناسباتی عادلانه، بر حقوق و متقابل سودمند به وضع تا بسا مان اقتصاد ای کشور رسوا مان دهند.

سفر خامنه‌ای به چین

درواسط ما گذشته، خامنه‌ای رئیس‌جمهور رژیم‌چینی به قصد دیدار با رهبران جبهه‌نویس شمالی روانه آن کشورها شد.

مقامات چین در جریان سفر خامنه‌ای اظهار داشتند که دیدار جاری وی از یک مناسبت دو کشور را در سطح فرارمی دهد و اظهار می‌دارد که دیدار این دو کشور در این باره بسیار مهم است و در این باره مذاکرات صلح و ترمیمی آن با سازمان ملل متحد همگامی‌های بیشتری را دنبال کنند تا مذاکرات از وضعیت بن بست کنونی آن خارج شود.

در این دیدار موافقت‌نامه‌های در زمینه همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های مختلف به امضا رسید که طبق این قرارداد از این پس حجم فروش نفت ایران به چین به دو برابر افزایش می‌یابد (به میزان دو میلیون تن در سال) و همکاری‌های گسترده‌تری در زمینه امور بانکی بین دو کشور صورت خواهد گرفت.

در برخی عرصه‌های اجتماعی دیگر، از قبیل مبادله دانشجویان مین بورس‌های تحصیلی و همکاری‌های فرهنگی نیز موافقت‌نامه‌هایی مسورت

دست‌های آمریکا از پاناما کوتاه!

۱۵ ماه قبل رئیس‌جمهور فدرال آمریکا در پاناما توسط مجلس قانونگزاری آن کشور برکنار شد و ژنرال نوریه‌گا فرمانده کل نیروهای دفاع ملی، جبهه مستقصدان با ناکارگاری آمریکا که بی‌الایات متحده هدف برکناری او را دنبال می‌کرد در مقام خود باقی ماند و رئیس‌جمهور جدید نیز برگزیده شد.

در ماه گذشته مردم کشور کوچک پاناما واقع در آمریکا از مرکزی پای صندوق‌های رای رفتند و رئیس‌جمهوری جدید و نمایندگان جدید مجلس قانونگزاری را انتخاب کردند. نیروهای دست راستی کشور، نمایندگان الیکارشی پاناما که از حمایت مستقیم آمریکا برخوردار بودند و از مخالفت با حکومتی به‌شمار می‌آمدند، در انتخابات شکست خوردند. کارلوس دوکه ۴۲ ساله، ازجبهه «ائتلاف آزادی ملی» که ۸ حزب از جمله حزب حاکم احزاب دیگر (تیک انقلابی) و حزب کمونیست را هم شامل می‌شود، به ریاست جمهوری انتخاب گردید.

کارلوس طرفدار تامین حاکمیت ملی پاناما و برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در آن کشور است. مردم پاناما بیش از دو سوم آراء خود را به نفع «ائتلاف آزادی ملی» در صندوق‌ها ریختند. نیروهای دست راستی کمتر از یک سوم آراء را تصاحب کردند.

دستگاه تبلیغاتی واشنگتن و شخص رئیس‌جمهور آمریکا، جرج بوش، در جریان ویایان انتخابات سرودها را نواختند. رئیس‌جمهور آمریکا آشکارا قبل از انتخابات خواست بود که ژنرال نوریه‌گا از مقام فرماندهی کل نیروهای دفاع ملی استعفا بدهد و در اتیمیا تومی خطا به مردم پاناما آشکارا تهدید کرده بود که اگر بار دیگر نوریه‌گا در مقام خود باقی بماند، آمریکا با تهدیداتی در این باره خواهد دید. بعد از انتخابات و اعلام نتیجه آن واشنگتن حزب حاکم پاناما را متهم کرد که در انتخابات دست به «تقلب» زده، حیمی‌کارتر

جیش هم‌واری...
بقیه از صفحه اول

حتی کار را به جای رساندن دیدگاه‌های پیش‌آنگارانشان در دانشجویان را به تظاهرات خیابانی فراخواندند. تظاهرات پس از مراسم خاکسپاری هاوکونگ روزبه روز با بعدگسترده‌تری بافته است. خواهشهای دانشجویان معترض مبارزه علیه فسادا خلافتی در میان رهبران و کارمندان حزبی دولتی، کاسترس دموکراسی و به ویژه آزادی وسیع‌تر مطبوعات و بلاخره اصلاحات در سیستم آموزش کشور است.

ریشه‌های تظاهرات اخیرا با بدترتفا ده‌های اجتماعی انباشته شده در چین طی ده سال سیاست اصلاحات وسیع جستجو کرد. تاریخ نشان داده که هر روندها تکاملی با انواع تناقضات و بفرنجی‌ها روبرو است.

در یک نگاه عمومی می‌توان با اطمینان گفت که سیاست اصلاحات اقتصادی که مدبرین به‌کار بردند همراهداشت. محصول گندم کشور که در آفریقا تا سی سال پیش خلیج چین ۴۰۰ میلیون تن بود، در سال دوره ما ۱۰۰ میلیون تن افزایش یافت و در عرض فقط ۵ سال اول سیاست اصلاحات به ۴۰۰ میلیون تن بالغ گردیده است. درآمد سرانه مردم چین که در آغاز زرفرم ها در سال‌های نخستین دهه ۸۰، ۲۵۰ دلار آمریکا می‌بود، پیشک به ۵۰۰ دلار رسیده است.

گرفته است.

رژیم‌چینی برای بازسازی اقتصادی کشور در فکر گسترش روابط با کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای بلوک شرق افتاده است. سفر خامنه‌ای به چین و کره شمالی و همچنین سفر قریب‌الوقوع رئیسان رئیسان مجلس کمیته سسه اتحاد شوروی باید در راستای تحقق این امور مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

رژیم چینی در پس پرده گسترش روابط با کشورهای مختلف جهان سیاست‌ها و اهداف دیگری را نیز برای ادامه وضعیت بسیج جنگی و تغذیه تسلیحاتی قوای نظامی و انتظامی، ارتش و سیه که تعداد آنها بالغ بر نیم میلیون نفر است، به طور جدی تعقیب می‌کند و در این سفرها انتظار مطالبات و پیوسته‌ای از کشورهای میزبان خود دارد. بنابراین خارج از مرزها بزرگ تسلیحاتی در سفر خامنه‌ای گزارش داده اند.

مردم ایران خواهان پایان دادن به بسیج جنگی و استقرار صلح پایدار هستند. آنها خواهان خاتمه گشتا زنده‌نیا ن سیاسی و تامین آزادی و حقوق بشر هستند. مردم ایران انتظار دارند که رهبران کشورهای میزبان خواسته‌های آسمان را در نظر بگیرند و رجهت آن خواسته‌ها، رهبران رژیم اسلامی را تحت فشار قرار دهند.

رئیس‌جمهور سابق آمریکا که در ترکیب هیئت برای نظارت بر انتخابات به آن کشور رفته بود، ضمن گزارش به جرج بوش توصیه کرد که ایالات متحده به دولت پاناما فشار نیاید. این هیئت از جمله پیشینها ذکر کرده آمریکا برای مقابله با ژنرال نوریه‌گا دست به حمله نمی‌زند. به پاناما می‌باید از این امر اجتناب کرد. جرج بوش به پاناما «حفاظت‌جا» را می‌گوید. او مواظبت از سیاست آمریکا در پاناما تا زه نفس به پاناما کمیل کرد و فعالیت واحدهای نظامی در پاناما را می‌گوید. او مواظبت از عنوان افراطی مخالفیه برخی موسسات دولتی و مراکز سازمان‌های سیاسی از جمله مراکز احزاب «ائتلاف آزادی ملی» حمله کردند.

مخالفین دولت از عوام نیروهای تازه نفس آمریکا بی‌استقبال کرده‌اند. آنها استدلال دارند که فشارهای واشنگتن به برکناری نوریه‌گا منجر شود و پاناما بکنه در نهایت دخالت آشکارا مستقیم آمریکا آن را متحقق کند.

دولت آمریکا در زمان حکومت کارتر، ضمن موافقت با بهای که دولت پاناما با آن مبارزه کرده بود پذیرفتند که هر چه در توان دارند کارکنان پاناما در اختیار دولت پاناما قرار گیرد. آمریکا در این مدت تلاش کرده است که دولتی سرکار پاناما بکنه متوجه شود که پاناما در آن منطقه تامین کند. زیرا سرکار آمریکا پاناما را منطقه نفوذ خود تلقی می‌کند و علیرغم موافقت‌نامه‌ها و تعهدات و افکار عمومی جهان، در سودای تامین «منافع حیاتی خود» است.

با قدرت‌گیری نوریه‌گا، عمل این آرزو و نقشه آمریکا زیر سؤال رفته است. نتیجه انتخابات پاناما نشان داده که اکثریت مردم پاناما طرفدار رهبران پانامایی در راه حاکمیت کامل ملی هستند و در مقابل نشان‌ها و تهدیدها واشنگتن ایستادگی می‌کنند. نیروهای صیمن پرست از حاکمیت کشور خود، حق دمکراسی و رشد اجتماعی - اقتصادی دفاع می‌کنند و مردم هستند علیرغم هر گونه اقدامات خرابکارانه آمریکا در راه برگشت ادار کارکنان به دست ملت و خاتمه دادن به حضور نظامی آمریکا در سرزمین خود دفاع کنند.

لکن اکنون در آستانه دومین دهه اصلاحات اقتصادی، مسائل نوینی رخ نموده است. جنبه‌های از این مسائل، اقتصادی است. تورم در سه ماهه نخست سال جاری نسبت به سال گذشته ۲۸٪ افزایش یافته و همین دلیل، سطح زندگی شهروندان به طور متوسط ۲۵٪ تنزل کرده است.

لکن مسئله جدی‌تر، مسئله آزادی‌های سیاسی در کشور است. نیروهای که در همین دوره اصلاحات اقتصادی رشد جدی کرده‌اند، یعنی دانشجویان، روشنفکران و تحصیل‌کرگان شهر-نشین، کارکنان رسانه‌های گروهی، کارکنان موسسات صنعتی و غیره امروز آزادی‌های سیاسی را به مثابه بنیاد می‌بینند و مطالبه می‌کنند. شرایط به لحاظ عینی، پاسخگویی به این مسئله را در دسترس قرار داده است. روندها اصلاحات اقتصادی در چین نیز برخلاف روندهای در سوسیالیست کشورهای دیگر سوسیالیستی، هنگام با حصول در عرصه‌های سیاسی نبوده، بدین لحاظ است که امروز، نیروهای اجتماعی وسیعی از خواست دانشجویان چینی برای آزادی‌های دمکراتیک پشتیبانی همه جانبه می‌کنند.

جنبه دیگر واقعیت هم آن است که نوسازی سوسیالیستی در کشور بزرگ و پرجمعیت چین که داغ سال‌های دراز عقب‌ماندگی را بر چهره دارد، با مشکلاتی عظیم همراه است. در این زمینه فاسی

کوجاندن اجباری کردهای عراق را محکوم می‌کنیم

رژیم عراق در ادامه سیاست شوونیستی «قوم‌گرا» و قلع و قمع خلق کرد، با توسل به سلاح‌های شیمیایی و نوا بدی روستاها و شهرکهای اردنشین شمال عراق، اینک با کوجاندن اجباری اهالی از روستاها به کوشا نه‌وزا دیوشان دست زده است.

بنابه تصمیم دولت عراق، ۱۵۰ هزار تن از اهالی شهر قلعه دیزه گردستان عراق، محکوم به انتقال اجباری از گردستان به مناطق جنوبی عراق شده‌اند. رژیم صدام به زعم خود می‌خواهد شهرگردنشین قلعه دیزه روستاهای حومه آن را از روی نقشه گردستان عراق محکوم کند.

رژیم حاکم بعراق به بطور مداوم و به‌ویژه در طول جنگ هشت ساله ایران، سعی کرده است به بهانه «تقویت جبهه‌ها و پیشگیری از حملات پیشمرگه‌ها» اشغال سرکوبگرانه گردستان، لگدمال کردن حقوق ملی خلق کرد و کشتار مردم بی‌دفاع را توجیه کند. رژیم عراق طی این مدت ده‌ها پایگاه جدید در نقاط مختلف گردستان ایجاد کرد، راه‌های نظامی متعددی در مناطق کوهستانی احداث نمود و چندان پایگان بزرگ و مجهز به مدرن‌ترین سلاح‌های گسترده جمعی از جمله سلاح‌های شیمیایی تأسیس کرد.

رژیم صدام پس از برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق، سرکوب بزرگ کرد در اجساد و وسیع‌تر به نحوی بی‌سابقه شدید کرد، به طوری که در جریان آن شمار کثیری از روستاها و واحه‌های مسکونی گردستان در اثر بمباران شیمیایی و حملات نظامی یکر، خالی از سکنه گردید.

جبهه گردستان عراق طی اطلاعیه‌ای افشاکرانه علیه سیاست‌ها و اقدامات شوونیستی رژیم عراق، خواستار حمایت و اعلام همبستگی جهانیان با خلق ستمدیده کرد و متوقف شدن کجوج اجباری و بنا خواسته‌ها از موطن و زادگاهشان شد. اطلاعیه مزبور در رابطه با انگیزه و هدف رژیم عراق از توسل به این سیاست‌ها تصریح کرد: هدف واقعی رژیم صدام، تغییر حدود جغرافیای گردستان، یا بیامال کردن حقوق ملی مشروع خلق کرد و نفی هویت ملی این خلق است.

با ضمن تقبیح این سیاست‌ها و اقدامات غیرانسانی، خواستار توقف بی‌قید و شرط این حملات و به رسمیت شناخته شدن حقوق ملی خلق کرد هستیم و بر خوداری از حق انتخاب آزادانه و بدون اجبار محیط و محل زندگی و به طریق اولی سکونت در زادگاه و موطن خود را حق اولیه، بدیهی و مسلم همه مردم از جمله خلق ستمدیده و آزاد کرده می‌دانیم.

استاناره کنیم که ۸۰٪ جمعیت این کشور هنوز در روستاها ساکن است و در سولندند و ۲۲۰ میلیون تن از سکنه کشور یعنی یک پنجم آنها هستند بی سوادند. به گفته رهبران چین پیشمرگه‌ها اصلاحات دمکراتیک در کشور قطعاً با آهنگی مشابه با کشورهای رشد یافته نمی‌تواند باشد.

اما رخدادهای اخیر ضرورت اصلاحات سیاسی را هر چه بیشتر نمایان می‌کند. در روزهای اخیر به دنبال اعتراضات دانشجویان چینی در میدان «ملیح آسمانی»، تظاهرات به اعتراضی همگانی فرا روئید. مقامات رسمی کشور نیز با یک تاخیر چندروزه تلاش کردند تا از طریق مذاکره و گفتگو به راه حلی مشترک با رهبران جنبش اعتراضی دست یابند. از توپانگ، دبیر کل حزب کمونیست چین در ملاقات ۲۸ اردیبهشت با دانشجویان کرد اعلام اعتصاب غذا کرده‌اند، گفت: ما برای نگرانی و احساس مسئولیت شما در مورد مسائل کشور ارزش عالی قائلیم و میباید برستی شما را ارج می‌نهیم. لکن حل خواسته‌هایی که شما عنوان کرده‌اید، یک شبه ممکن نیست. به اعتقاد غذای خود پاناما دهید ولی گفتگو پیرامون مسائل را در آینده با یکدیگر پیش خواهیم برد.

به دنبال گسترش تظاهرات در کوشان، شا نگهای و سایر شهرهای بزرگ چین موج حمایت اقصا وسیع مردم از این تظاهرات، دولت برای آرام کردن اوضاع، ارتش را به کمک طلبیده است. هم‌اکنون در برخی نقاط شهرکین، مقررات منع آمد و شد برقرار است. بر اساس اخباری که تا ۳۰ اردیبهشت دریافت شده، در چند نقطه شهر سنگربندی‌های خیابانی برای جلوگیری از ورود ارتش به یکن توسط دانشجویان و گروه‌های از مردم صورت گرفته است. هم‌اکنون حدود ۲۰۰ هزار دانشجویان علیرغم تمام محبت نخست وزیر چین به تظاهرات و اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

چین لحظات حساسی را می‌گذراند. تشنج در نقاط مختلف کشور همچنان ادامه دارد. سبب حوادث در آینده نشان خواهد داد که رهبران چین تا چه حد خواهند توانست موقفا نه و مطالبی بسا روح شرایط وزمان بر این دشواری‌ها غلبه کنند.

جهان در پرتو نواندیشی و نوسازی

در جنبش کمونیستی بین المللی در کشورهای سوسیالیستی تحولات عظیمی جریان دارد. فضای بویا، زنده و خلاقی بنده آمده است. نواندیشی و نو سازی و نو اندیشی در ابعاد دنیاشواری و پراکتیک احزاب کمونیست بر تار و پود حیات مبارزه می سازد. این تحولات بر مسایل عموم بشری، مناسبات بین المللی، کشورهای سرمایه داری و ورور، و بر پرونده انقلابی جهان و نیز پدیدگیاه زدن و شکست علوم اجتماعی همیشه یک درام، یک ستیز خا دویک عمل سخت و فشرده است که بسا جرخش های فوق تصور سوزه این درام همرا ه است. بسط و تکامل تئوری، نبردهای فکری، نبردهای سیاسی و اجتماعی، مبارزات ریاضی یا ترکیبات شیمیایی مواذ نیستند که "ارام" و "نگینا" در انتظار آن با شند کسه انسان اسرار آنها را کشف کند. این ها فرمول فعلی انسان ها و شعارها و فراخوان هایی هستند در جهت اقدامی معین. در پی این فرمول ها منافع اجتماعی و متفاوت و گاهی به شدت ستیزنده خوابیده است. نوآوری در تئوری، همیشه مبارزه ای است میان مکتب علمی و گروه های سیاسی بر سر رهبری و بر سر اثر گذاری بر زندگی اجتماعی. و با لاکسره مسابدهای است میان شخصیت ها - مسابدهای هم آهنگانه (آن گاه که هم رقیب در پی حقیقت اند) و هم آلوده به بلند پروازی (آن گاه که نه حقیقت، بلکه پیروزی به هر وسیله تبدیل به هدف بحث می شود) که می توان کرد، تنها در درام های عمر کلایسیم است که "فرزانیان" و "ساختران" مجرد که تلسکوپ انسان ها ای مولی سردویک سوبیه هستند، عمسمل می نمایند. اما در زندگی واقعی با انسان های

سازنیروها نسبت به سایر جها نی، کمونیست های کشورهای سوسیالیستی و... تا شیری می گذارد. آگاهی بر این تحولات برای تمام مردم کشور ما به ویژه کمونیست های ایران اسسری است ضروری و حیاتی. سازمان ما تا کنون تسلسلی کرده است که تحولات در جنبش کمونیستی بین المللی و کشورهای سوسیالیستی را در شرایط خود وسیعاً منعکس سازد. شریه کار در شمارهای قبلی ما مطالب متعددی در این زمینه درج کرده است. برای با زتاب هر چه وسیع تر این تحولات، شریه کار در نظردارد در هر شماره به طور منظم، رویدادهای دگرگونی ها، نظرات و مباحث جاری در جنبش کمونیستی بین المللی و کشورهای سوسیالیستی را درج کند.

زندگی و ایده ها!

برگرفته از نشریه صلح و سوسیالیسم زنده ای روبرو هستیم که نه تنها منافع اجتماعی و مواضع عملی، بلکه عزت نفس هم دارند. آری، درام، دگرگونی، و مبارزهای پسر ستیز و متاثر از احساسات، اما جسمی آه و افسوس مند. این رونق عادی، قانومستند و طبیعی است، والا تفادهای زندگی اجتماعی و علوم نمی توانستند حل شوند. در این زمینه تذکراتین در جواب گفته های یکی از شرکت کنندگان کنگردهوم حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه، بسیار آمو زنده است. او شکوه می کرد که کنگره جقدر ناخوار بوده است - "مبارزه پیماناک"، "پلمیک خن". اما لنین در جواب بی گفت: "واقعا که کنگره ما ان جقدر عالی بود." "مبارزه آزادانه و آنگار. نظرات اظهار رندند. سایه روشن نا نمودار گشتند" (مجموعه آثار، جلد ۸ صفحه ۳۳۳). ایسن کنگره، واقعا هم کنگره خیلی خوبی بود. فکرهاست شریخ و ما زنده را به قوت برانگیخت و به مبارزات همه در تدوین جمعی استراتژی مبارزه آتسی، تحرک بخشد. نسا پیدنگران نبود و بیش از اندازه او را از گزند نقد در مان نگاه داشت. نو هم نسا پیداسب سنبود و جهر بعضی های پیروزی وارد تار بیخ بود. چرا که هر "نو" الزاما "حقیقی نیست. "نوآوری" بسیاری از قماش دوربتک سراغ داریم

که در "یک چشم به هم زدن" از ما رگسیم بریدند. انگلیس است حکام دوربتک را آزموود. اما حاله دیگر دوربتک گجاست، چه کسی آثا را و را می خواند، چه کسی او را به یاد دارد؟ و اگر هم قرا موش نشده است که خاطر آن است که ما ام در دیترکتا معروف انگلس آن هم البته در قالی طنز آمیز، آمده است: "تحولی که آقای دوربتک در علم ایجا دکرد!" نو الزاما باید آت زموون سخن گسندر کند. والامی شد "مون بلان" ها و "اورست" های دانش علمی را به سهولت تما مفتح کرد. کوتا سه سخن، ستیز درام تیک در علوم، امری قانومند و دگرگیزی نا بدیراست. تنها با پداخا فکر که سطح کنونی تمدن در بخش قابل توجهی از شریوت به بیان هگل، تصاد تحمل شدت تضادها مکان یا فتن "راه های عقلایی" حل تضاد را فراهم آورده است. برای آن که سوزه درام در حال اجرا از منظر اندیشه پاک و شریه سف پیروی کند، و برای آن که جرخش های این سوزهای نبرنگ "یاگو" های مختلف، نا بخردی همسای نرازیست، و شمشرهای زهر آلود در قمنزند، باید منطق، مخمون، و قانومندی های این روند را درک کرد و هادایت این روند را در انکا لسی همکراتیک و متعمدنا نهد را ستای پیشرفت تئوریک و اجتماعی، و اندیشه وهستی، آموخت. این همه به ویژه از آنجا ضروری است که پرا تیک دهه های اخیر که می دهد: بسیاری از ما کمونیست ها برای بسط و تکامل تئوری، بسیاری فرمول بندی ایده های جدید برای برخورد صحیح نسبت به این ایده ها، تاوانی با شینی داشته ایم. در نتیجه، آموزش ما کم فروغ شده و از زندگی عقب می مانده است. لحن دگما تیسیم، رودما رگسیم را که زمانه شریخ پرخوش بوده است، هر چه بیشتر در خود فروکشید و پرا می می کرده است. ضرورت رفع عقب ماندگی، امروز به روشنی درک شده است. برای دستیابی به این منظور هم به هیچ وجه نیازی به عدول از مبانی علمی نالوده ای مارگسیم نیست. این مبانی علمی از بویونگی و قابلیت انتطاف کافی برای آن که در همان بستر سنت فلسفه انقلابی، جهان واقعیت های جدید را فراگیرند، برخوردارند. مارگسیم بسند نیست، بلکه توانایی ما برای بسط و تکامل آن ناکافی است. اما این توانایی را می توان کسب کرد و باید آموخت.

پرسترویکا

گزارشی از پلنوم آوریل ۱۹۸۹ ح-ک-ا-ش

۴ سال بیش در جنبش روزهای مبارک گزاری پلنوم تاریخی آوریل ۱۹۸۵، حرکت نوینی در جنبش کمونیست و جامعه شوروی نقطه سبک در جنبش پرسترویکا نام گرفت. پرسترویکا (نوسازی) در چهارمین سال زندگی اش اکنون دشوارترین و حساس ترین مراحل را از سر می گذراند. این گمان هیچ ایده نوینی، یکبار که ما مل و همدا نه در جهان واقعیت زاده نمی شود و در حزب تکا ملیش به آسانی راه خویش را با زحمی گشا بد. حزب کمونیست شوروی که با پرسترویکا فصل نوینی از تکامل جامعه شوروی در راستای بسط دمکراسی و ارزش های انسان دوستانه نهفته در سوسیالیسم را گشوده است، در هر مرحله با نقد و بررسی کارانجامنده و تحلیل عینی و اقیعات، راه آه آه پندور می گشاید. آخرین پلنوم کمیته مرکزی این حزب که در ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) سال جاری برگزار شد، اگرچه اساسا مسایل سازمانی را در دستور داشت، اما سرشار از چادترین وجدی ترین مباحثات پیرامون اوضاع دشوار کنونی حزب و جامعه راهیایی برای غلبه بر مشکلات بود.

مسائل سازمانی

۱۲۲ تن از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کمیون مرکزی تفتیش حزب که منتخبین کنگره ۲۷ بودند در دوره پس از کنگره به دلیل سن و شرایط جسمانی و سلامتی از سمت های حزبی یا دولتی بازنشسته شده، لکن همچنان عضو ارگان های رهبری و دارای حق رای در آنها بودند، با امضای نامه ای جمعی به پلنوم کمیته مرکزی مراجعه کردند. تقاضای امضا کنندگان نامه این بود که چون در حال حاضر عضویت در کمیته مرکزی، مستلزم مشارکت جدی در امور نوسازی است و آنها به دلیل بازنشستگی در جنبش وضعیتی نیستند، لذا کمیته مرکزی با تقاضای استعفا آنها موافقت کند. میان امضا کنندگان تقاضا نامه مورد بحث، چهره های سرشناسی چون آندره گرومیو، بوریس پاناماریف، نیکلای تیخونف، حیدر علی اف، و بیش از ۱۰ تن از ژنرال های بازنشسته ارتش شوروی بودند. متوسط سن نویسندهگان تقاضا نامه، بالای ۷۰ سال است. دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در آغاز بحث پیرامون این تقاضا نامه گفت که مسئله امروز، فقط اتحاد امضا میم نیست، بلکه کار عظیمی است که در میان زحمتکاران و در جامعه برای تحقق این تصمیم باید صورت پذیرد. زندگی بسر جای خویش ساکن نمی ما تده، پرسترویکا، علاوه بر تمامیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با تحول درکا در پیشبرد نه ان نیز روبرو است. تغییراتی که به ویژه پس از انتخابات اخیر پارلمان کشور، پیش آمده در وضعیت کنونی در کمیته مرکزی، چنین تقاضایی را منطقی می سازد. زیرا از ۳۰۱ عضو کمیته مرکزی، ۸۳ نفر از ۱۵۷ عضو مشاور، ۲۷ نفر بازنشسته اند. تقاضا نامه رفاقا از اعتقاد عمیق حزبی شان و اخلاق والای آنان حکایت می کند. آنها خود را در شرایط مناسبی نمی بینند، زیرا نمی توانستند در کارهای حزبی و دولتی، فعالانه مشارکت کنند. هیئت سیاسی بر آن است که می توان بسا

این تقاضای رفاقا موافقت کرد.

در جریان بحث پیرامون این تقاضا، یکی از امضا کنندگان نامسه گفت: "ما همه را یک برخورد شرافتمندانه با شرایط تلقی کنید و گمان نبرید که در لحظات حساس کنونی از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنیم. مسابدها طرفداران حقیقی پرسترویکا و همفکران ما شیم. ما همیشه آماده ایم که در هر کاری که بتوانیم با شما مشارکت نمائیم. و رفیق دیگری اعلام کرد: "بدا نید که در شرایط جدید هم ما تا آخرین روز زندگی مان و تا آخرین رمقی که داریم، در فعالیت های اجتماعی شرکت خواهیم جست و تمامی تجارب و دانش ما را در اختیار حزب خواهیم گذاشت."

پلنوم کمیته مرکزی ضمن قدردانی از فعالیت های آنان، استعفا ی جمعی شان را پذیرفت. در همین جلسه پیرامون بر کماری ۲۴ تن از اعضای مشاور به عضویت طلی بحث و تصمیم گیری شد. در میان جمع انتخاب شده، ۵ نفر از دبیران حزبی ایالات، ۴ دانشمند، ۷ نقاش، کارگران موسسات صنعتی و کشا ورزی و نیز سفیر اتحاد شوروی در آلمان فدرال هستند.

بحث پیرامون مسایل جاری

پلنوم اخیر در شرایطی برگزار شد که حزب و جامعه شوروی، مرحله بسیار حساسی را از سر می گذراند. حزب و جامعه، اصلی ترین روندها و مکتبسم های پیشین حرکت خود را نقد کرده اما در عین حال فرصت و توان آن را نیافته است تا در تمامی عرصه ها، مکتبسم ها و روندهای جدید را تدوین و در عمل با دشمن آنها سازد. به عنوان نمونه در عرصه اقتصاد شیوه های اداری - فرما ندهی راهبری اقتصادی اگرچه نقد و تضعیف شده، اما هنوز مکتبسم اقتصاد، شریخی لازم را نیافته و فرم های اقتصادی به طور کامل پیش نرفته است. یا در عرصه گسترش دمکراسی، جامعه سیاسی شده است، مردم به صحنه آمده اند، اما بازار سوسا استفاده او مل و عنا صر فدا جمعی و ضد سوسیالیستی نیز گرم است. هنوز قوا نین حقوقی که ما من پیش برد دمکراسی هستند، تما ما تدوین نشده، هنوز دولت حقوقی سوسیالیستی یا حاکمیت سوسیالیستی قانون مستقر نگشته است. سرچنین زمینه ای است که تحلیل روندهای کنونی، نتیجه گیری و راهجویی ما نیز طبیعی می تواند ساد، سراسر و یگا نه باشد. در جلسه اخیر کمیته مرکزی نیز بسیاری از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و مسئولین حزبی پیرامون مسایل دشوار کنونی اظهار نظر کردند و از زوایای مختلف و بسا دیدی نه چندان محدود که بسیار رمز فاد، به تجزیه و تحلیل شرایط پرداخت کردند. اطلاع از نمونه نظرات و تحلیل های گوناگون مطروحه در پلنوم، درک عینی تری از مسایل و ویژگی های مرحله کنونی رونومساز ی در شوروی به دست می دهد. دسوف، نایب رئیس آکادمی علوم شوروی و از امضا کنندگان نامسه جمعی از جمله گفت که اگر در حزب کمونیست ما، وحدت ایده ای نباشد، به ویژه در شرایط کنونی - اوضاع بغرنجی را به وجود خواهد آورد. سخنران، از جمله مسال خاد در این زمینه، بحث پیرامون نقش پیشاهنگ حزب و سیستم چند حزبی را نمونه آورد و به یکی از شریات شوروی انتقاد کرد که در آن نوشته شده که برای جامعه حزب دهقان، حزب کارگران و حزب روشنفکران ضروری است. وی گفت که نویسند پیرامون حزب کمونیست اتحاد شوروی مستقیمسا پاسخی نمی دهد اما تلویحا اشاره دارد که این حزب، حزب دستگسباه بوروکراتیک و اداری است. وی همچنین به بحث هایی که در برخی شریات پیرامون آلترا نیا انقلاب اکشروا بنگه از فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷ استالیسما راه دیگری ممکن بود که بتوان از جنگ داخلی ورپان های دوران استالیسن اجتناب کرد، انتقاد نمود و سرخران را هر که که بعضا در مورد تقارب و همگرایی کا پیتا لیسوم و سوسیالیسم بحث می کنند، مسئله بر سر تفکر نوین سیاسی نیست.

پیرامون نتایج انتخابات

م. گاربا جف در ارزیابی پیرامون انتخابات اخیر شورای عالی اتحاد شوروی گفت: این انتخابات یک رفتار ندم عمومی بود که در آن مردم شوروی به پرسترویکا "آری" گفتند، انتخابات در شرایط دشواری بسیار ریفراندمی صورت گرفت. در شرایطی که مسئله خود را رهنه زحل شده، مسئله مسکن حادث است، کالاهای مصرف عمومی در زمان زه‌ها کافی نیست و کمبود آنها گاه بیش از گذشته احساس می‌شود، وضع مالی دولت دشوار است. در شرایطی که مسئله ملیت در فدراسیون چند ملیتی اتحاد شوروی، به‌شکلی حادثه‌ها را آید و ما جرایم جوانان، فرصت طلبان و مقام پرستان، کما ل سوا استفاد را از آن می‌کنند.

در چنین اوضاعی، عده‌ای گفتند که مردم به‌پای صندوق‌های رای نخواهند آمد و آن‌ها به‌پای هم‌گیا بایند، علیه‌شما رای خواهند داد. لکن مردم شوروی آمدند و به‌نفع سوسالیسم، پرسترویکا و خط حزب برای نوسازی جامعه رای دادند، انتخابات اخیر یک گام جدی در جهت بسط دموکراسی سوسیالیستی بود و یک حرکت همه‌خلقی ایجاد کرد. در عین آنکه مردم فقط به‌شکلی ساده به پرسترویکا رای ندادند، بلکه بر تحقیق آن، در جهت برای پیشبرد آن و بر تحولات سریع تر در همه عرصه‌های زندگی ما تا کنون گذراندند. با چنین برخوردی، مردم رنجی به ارزیابی کارهای حزبی و دولتی هم‌پیدا کردند. نکته بسیار مهمی آن است که ریشه‌های نرفتن بسیاری از اعضاء میم‌ها در مرکز است. برای حل این مشکل ما در آینده نزدیک، اختیارات وسیع تری برای خودگردانی به مناطق و جمهوری‌ها خواهیم داد. اما به‌نکته دیگری هم باید توجه کرد. مردم خوب می‌فهمند که برای حل مسائل اساسی به‌زمان احتیاج است. لکن آن‌ها این راه‌می‌بینند که مسائل مشخصی هست که همین امروز می‌توانند حل شود و احتیاج به‌زمان‌های سیستم اقتصادی و سیاسی و سرمایه‌گذاری ندارند.

از آن‌ها که مردم دیگری خواهند ساخت بمانند، عده‌ای خوشحال نیستند. لکن من گمان نمی‌کنم که این موفقیت پرسترویکا است. تمام هم‌وغم ما این است که توده مردم، خود را به‌واقع صاحب تمام قدرت بدانند و این در حال تحقق است. به‌مسائل امروزین باید چشم‌گشوده نگریست. مردم به پرسترویکا "آری" گفتند و ولی نه به‌مثابه ایده‌های مجرد، بلکه به‌مثابه باورندگی دارای نتیجه‌مضمون مشخص. آن‌ها به‌سوسالیسم مجرد، چهارپانده‌ها، به‌سوسالیسمی که به‌منافع توده‌ها خدمت می‌کنند، آری گفتند. مردم در انتخابات نشان دادند که در چهره حزب بیگانه نیروی واقعی و امیدوارکننده‌ای را می‌بینند که قادر به‌نوسازی جامعه است.

بررسی اوضاع کنونی اقتصاد کشور

بررسی رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی از وضعیت کنونی کشور را می‌توان به‌شکل زیر خلاصه کرد: علیرغم همه مشکلات دوره اخیر، سمت‌دهی اجتماعی میهمی در اقتصاد صورت گرفته است، اگرچه این کار هنوز در نخستین گام‌های خوبی است. روند اقتصاد آهنگ رشد اقتصادی در اواسط دهه‌های اخیر، میان‌رشته، با رزای ساختار اقتصادی آغاز شده ولی کارها تماماً به‌سوی روال مطلوب پیش نمی‌رود. بحث بر سر فرم اقتصادی، تحکیم موقعیت مالی موسسات صنعتی و کالوخوا، تغییر شیوه‌های اداره امور و اصول نوین نظریات ارتباطات خارجی است. گاربا جف تا کنون در عرصه‌های نظریات ارتباطات خارجی ریشه‌ای و عمیق‌تر بحث‌ها را پیش خواهد برد. این کار را به‌علیرغم همه فشارهای لحظه‌کنونی انجام می‌دهد و اقتصاد شوروی به‌مرزهای نوینی برسد. علیرغم آنکه از آنجا که کنونی انجام گرفته، رهبری و مردم را ضعیف‌تر می‌کنند، لکن نیاز به‌هیچ ترتیبی تحت تأثیر شرایط اقتصادی مشمس است. اتخاذ شده، عقب‌نشست، این کار جدا خطرناک است. امروز بیش از هر چیز حرارت و بی‌گبری برای ادامه خط مشی صحیح ضرورت دارد. باید لحظه به‌لحظه امور را به‌اطلاع مردم رساند و آن‌ها را در جریان گذاشت. وی اعلام می‌کند که تهیه‌های سرگشته برای توضیح شرایط اقتصادی به مردم ضروری است.

رهبر حزب اذعان دارد که پیشرفت در برآوردن نیازهای حیاتی مردم، کم‌احساسی شود و این باعث نگرانی است. با آزادانی نه تنها به‌بودنیاهای کم، بلکه در بعضی بخش‌ها به‌قدر هم‌شده است. همین امر باعث شده که مردم گمان کنند میان حرف و عمل فاصله افتاده، آن‌ها نسبت به‌کمبود، صف، و تلافی وقت زیاد برای تهیه مواد مورد احتیاج چنان عکس‌العمل نشان می‌دهند. گاربا جف ضمن آنکه به‌جوانان مثل جرنوبیل و گاه‌ش قیمت نفت در بازار جهانی می‌گوید، مشکلات اقتصادی را نباید تنها به‌این نکات محول کرد. ما در تحلیل وضع مالی کشور تا خیردا شتم، اوضاع به‌واقع وخیم‌تر از آن بود که ما در آن غمناک می‌کنیم. یک سلسله تصمیم‌گیری‌ها در مورد مسکن، افزایش حقوق کارکنان، حداقل حقوق بازنشستگان، کمک هزینه تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان، افزایش بودجه وزارت بهداشت و آموزش و پرورش، انجام شد که اعتبارات مالی آن تا به‌این نشده بود.

حل مسئله خواربار را گاربا جف در گزارش خود به‌تصمیم‌پلنوم مارس امسال کمیته مرکزی در مورد مسئله ارضی می‌دانند و این راه‌نموده در مناطقی که نتایج مثبت حاصل شده می‌گوید، در این مناطق هیچ‌گونه معجزه‌ای صورت نگرفته است بلکه برنا‌های مشخص با مشارکت مردم تهیه شده و تا به‌آ خر پیش رفته است. وی تا کنون می‌کند که بسیاری مهم است که از خط با رزای قاطع روابط اقتصادی در روستاها عدول نکنیم.

در مورد تأمین کالاهای صنعتی مصرفی، حرکت انجام شده در ماه‌های اخیر، اولاً نوسازی تکنیکی کارخانه‌های قدیمی و ثانیاً استفاده از صنایع نظامی برای تهیه این کالاهای است. علاوه بر این میخائیل گاربا جف با ارائه موارد متعدد مشخص، وزارتخانه‌ها و ادارات را به‌پایان نتایج می‌گیرد که سال‌های سال سرمایه دولتی را از دستگاه‌ها داشته و پروژه‌ها را به‌مرحله تولید نرسانده‌اند. وی اعلام می‌کند که تا هنوز هم با شلختگی و ریخت و پاش در اداره امور تهیه‌شده نکرده است. گاربا جف طرح خودگردانی مناطق و جمهوری‌ها را نیز راه‌حلی جهت کمبودهای مورد بحث می‌داند.

موقعیت حزب

از مهم‌ترین بخش‌های سخنرانی م. گاربا جف، اوضاع حزب در شرایط کنونی است. او می‌گوید با این ارزیابی‌ها که حزب موفقیت خود را از دست می‌دهد یا به‌کلوب بحث تبدیل شده، به‌هیچ وجه نمی‌تواند موفق باشد و اعلام می‌کند: می‌گمانم که این کم‌برخی رفتار در لحظات کنونی است، اعتقاد خود را از دست داده و موضع خویش را رها کرده‌اند، این درست نیست. واقعیت آن است که اگر چه مردم رشد کرده و مشارکت آن‌ها در امریات و تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافته است. اگر در مرحله نخستین، پرسترویکا، با حرکت از بالا، یعنی با ابتکار حزب آغاز شد، اینک در مرحله جدید، حرکتی قدرتمند از پائین یعنی از سوی توده‌ها شروع شده است. فعال شدن جامعه به‌لحاظ سیاسی چهره‌کشور را به‌کلنی دگرگون کرده است. برای کسانی که در ۳۰-۴۰ سال

لکن مسئله تقارب، چیز دیگری است. آیا اساسی توان از دردم آسبزی کارگران با بورژوازی سخن گفت. با بودنیفک، عضو شاوور کمیته مرکزی و دبیر اول استان ولادمیروف نیز از جمله آثار دگرگونی یک سال و نیم پس از برکناری ۷۰ سالگی اکتبر شوروی، بخش‌های سیاه‌تاریخ حزب در حال گسترش است و گفت‌گوشان دادن تنها ما دستاوردهای حکومت شوروی را تبلیغ نمی‌کنیم.

سالوف، عضو شاوور هیئت سیاسی و دبیر اول استان لنینگراد، ضمن اشاره به این که در انتخابات اخیر از ۶۰ گانه‌پدایی که از رهبران حزبی و شورایی استان بودند، هیچکس رای کافی نیاوردند، گفت در میان بخشی از جوانان این اندیشه‌ها صحیح شکل گرفته است که گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی، "حزب خطاها و جنایات علیه مردم" است. او گفت: رازی را انشأ نکرده‌ام اگر بگویم عده‌ای با کارت حزبی شان اکنون علیه حزب و علیه نقش پیشروان در جامعه فعالیت می‌کنند و بر آنند تا حزب را به‌کلوب بحث تبدیل کنند. وی گفت که ما در جهت فعال شدن روشنفکران، جوانان، زنان و ویترا‌ن‌ها تلاش کرده‌ایم، لکن با لایردن نقش طبقه کارگر در تحولات بنیادینی که در کشور رخ می‌دهد، اهمیت اساسی دارد.

ما می‌باید در بررسی اوضاع کنونی اظهار داشت که کمبود کالاهای صنعتی مورد احتیاج مردم و خواربار در حال گسترش است، تورم افزایش یافته، مسئله مسکن حادثه، جنایات و سایر بریده‌های منفی در حال گسترش است.

پولازفک، عضو کمیته مرکزی و دبیر اول منطقه کرانساندار پیرامون برخی مسائل ایدئولوژیک که شمال به‌نظر به‌ایدئولوژی زدایی دروا بسط بین‌المللی طرح می‌شود، اظهار کرد: در چنین شرایطی، ارتباط ایدئولوژی طبقه کارگر و بورژوازی چه می‌شود؟ سوسالیسم در مفهوم کنونی آن چگونه خواهد بود و ارزش‌ها و ایده‌آل‌های آن چیست؟ نقش طبقه کارگر در جامعه کنونی ما چیست؟ کدام اصول فلسفی و سیاسی جامعه را نوسازی خواهد کرد؟ آیا ما به‌حق (سوسالیسم) هنوز هم خواهان هدوید رتایت به‌حساسی آن خواهیم داشت؟ سخنران همچنین گفت: مواردی می‌بینم که کمونیست‌ها در اوطلیبا‌ها رت حزبی شان را بی‌میهن می‌دهند. در میان آن‌ها افرادی را می‌بینم که هستند، آن‌ها نگرانی‌ها و مشکلات ما وضعی جدیداً مده‌کامل جدید، می‌دانیم که آن‌ها را جزواستالینیست‌ها به‌شمار می‌آورد.

آ. ملینیکف، عضو کمیته مرکزی و دبیر اول استان کیروف گفت که برایش مشکل است تا به‌مثابه مسئول استان معنی که در انتخابات اخیر پارلمان شکست خورده است، در پلنوم صحبت کند. پیشروکارها اعتقاد او در شرایط کمبود شکر، مایون و مواد پاک‌کننده و غیره، مشکل است و گفت که این اعتقاد شکل گرفته که چون به‌ارگان‌های حزبی تعلق داری، پس به‌طورا توما تیک بوروکرات هستی. سخنران سوالاتی را که در سازمان‌های حزبی منطقه مطرح است، چنین برسرمد: آیا وحدت اتحاد شوروی در معرض خطر قرار گرفته است؟ آیا امکان ایجاد سیستم چندحزبی یا وجود اپوزیسیون در حزب فراهم شده است؟ و در مورد اوضاع استان گفت که اوضاع اجتماعی روسیه و خا مت می‌رود، وضع زندگی مردم بدتر شده است. نه‌کالاهای مصرفی هست، نه موادحرارتی و نه محصولات دیگر.

و. ملیتوف، دبیر اول استان کومی اظهار داشت: زندگی واقعی ما به‌امتناع توده‌های از کار کردن، اعتصاب غذا، مینتیک‌های غیرمجاز، راه‌پیمایی وحشی و اعتصاب، تبدیل شده است و نتیجه گرفت که مردم به‌فردای خویش اعتمادی ندارند. وی با اشاره به نتایج انتخابات اخیر گفت که طبقه کارگر در حال حذف شدن از محفل فعالیت سیاسی است و این مسئله بسیار نگران‌کننده است. زیرا ما کارگران را از دست می‌دهیم، به‌اعتقاد سخنران در شرایط تسلط مینتیک‌ها و دموکراسی، شما بینندگان روشنفکران به‌کارگران ترجیح داده‌می‌شدند، زیرا که دقیق تری توانستند مواضع خود را بیان کنند. وی از راس‌نامه‌های گروهی نیز به‌شدت انتقاد کرد که گاه حتی به‌تجدید نظر در میراث ما کسب‌کنند.

وزیران، دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان در سخنرانی خود گفت: اگر به‌خواهیم اصل "هر که با نیست، دشمن ما است" را به‌کار بگیریم، حمایت وسیع به‌دست نخواهیم آورد. ما به‌درست به‌شما می‌گوییم که عمل کرد، باید با کسانی که حقیقتاً طرفدار پرسترویکا یا هراندیشه‌ای هستند، هم‌کاری هم‌ساز نباشد. باید مواخت که توده‌ها در کار مشترک چگونه متحد کرد. هیچ‌کس را می‌تواند ما را با توده‌های تحکیم‌ی کند و از خویشی روی اعضاء حزب با قسسی می‌گذارد، آن‌ها می‌گفتند این اولین گام است که ما را به‌کمیته حزبی دعوت می‌کنند، این چنین باز ما به‌گفتگوی نشینند و روی نظرات ما حساب می‌کنند.

کالینیکف، عضو کمیته مرکزی و دبیر اول استان ولگا گارد در پلنوم اعلام کرد: هر جا که تا مین‌خواهیم ریه‌تر شده، مسئله مسکن به‌بودنیاهای هم‌کمونیست‌ها در انتخابات موفقیت‌داشته‌اند.

در مورد کمبود برخی از مواد سخنران می‌پرسد: در این شرایط وزرا و دولت کجا هستند؟ چرا هیچکس از آن‌ها در برابر مردم در ادیو و تلویزیون حرفی نزدند؟ چرا در مقابل این تنگناها مسئولیت به‌دوش نگرفتند؟ وی در مورد نتایج انتخابات با پارلمان می‌گوید: ضروری است که تلاش‌کنانی که امروز سخنرانی کردند و شکست‌شان در انتخابات را تنها به‌اشتباهات مرکز، ضایعات دیگراسی و سوءنیت‌رسانه‌های گروهی نسبت دادند، رد کنیم... برای جلسه اعتماد مردم، باید تحول واقعی و پیچیده در زندگی اقتصادی، اجتماع‌سی و معنوی شان پیدا آورد.

در سخنرانی‌های پلنوم آوریل هم‌چنین گفته‌شد: تحقق خودگردانی اقتصادی با مقادیر جدی از مواد و نیروی است. آن‌ها بدون جنگ، از صندلی و منافع خویش دست نمی‌کشند... سیستم‌داری - فرماندهی همچنان به‌عملیات تخریبی خود ادامه می‌دهد. عدم پیشرفت بسیاری از فرم‌های اقتصادی در نتیجه همین دلیل است... وزارتخانه‌ها و ادارات درست‌مشکل گذشته‌کاری می‌کنند، سیستم‌برنا هم‌بزی، تا مین مواد و تکنولوژی، مسایلی مالی و اعتبارات توسط آن‌ها، دست‌نخورده باقی مانده است.

* * *

گفتگوهای پلنوم میخائیل گاربا جف، دبیرکل حزب به‌پایان برد. او در سخنرانی‌های پایانی خود، ضمن اشاره به عده‌ترین نکات مطروحه در سخنرانی‌ها و پاسخ‌گویی به انتقادات، به تحلیل اوضاع کشور در مرحله کنونی پرداخت و وظایف مشخص حزب برای ادامه روند نوسازی را برسرمد.

مجارستان:

نتایج پلنوم آوریل حزب

اجلاس کمیته مرکزی حزب کارگروسیا لیست مجارستان در روز ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ تشکیل گردید. در این اجلاس دبیرکل و هیات سیاسی حزب که یک سال پیش انتخاب شده بودند، استعفا دادند. ایستادن اقدامی بی سابقه در حیات حزب کارگروسیا لیست مجارستان بود.

از اواسط فوریه کمیته مرکزی حزب، کمیسیون ویژه‌ای برای بررسی کارگردانان و هیئت سیاسی تشکیل داد. این کمیسیون نظرات اعضای کمیته مرکزی و کمیته‌های منطقه‌ای حزب را جمع‌آوری نمود. آن‌ها همیشه سیاسی بنا نبوده و پیش‌نهادها را روی گروز، دبیرکل حزب استعفا داد تا امکان ارزیابی آزادانه توسط کمیته مرکزی فراهم گردد.

اجلاس کمیته مرکزی حزب، هیات سیاسی جدید را که از ۹ نفر تشکیل می‌شود، برگزید. برخی از اعضای دستگاه رهبری از جمله یانوش سروس و یانوش لوکاج که هر دو از اعضای هیات دبیران حزب بودند، همچنین جودیت ساک، وزیر بهداشت و امور اجتماعی و ایستوان زابو، رئیس شورای ملی و تعدادی از اعضای گمرازی، در رأی گیری مخفی رأی کافی نیاوردند و مجدداً انتخاب نشدند.

کارولی گروز که به ریاست عنوان دبیر کل حزب انتخاب شده است، بعداً از این اجلاس اظهار داشت که: "من چیزی درباره جناح "ملاخ‌طلب" و جناح "محافظة کار" نمی‌دانم. من کارگردانان را هرگز نمی‌بینم. به نظر من مسئله اصلی این است که اکثریت عظیم اعضای حزب، خود را وقف اصلاحات کرده‌اند". لازم به یادآوری است که در مطبوعات و برخی محافل سیاسی مجارستان اظهار نظرهایی در باره وجود جناح‌های "ملاخ‌طلب" و "محافظة کار" در دستگاه رهبری حزب صورت گرفته است.

اکنون روند نوپای حزب کارگروسیا لیست مجارستان پیش به این گام رسیده است، بعد از این مجارستان آغاز زندگی جدیدی را می‌شود. تالی‌های مداوم برای ساختن دولت حقوقی به عمل می‌آید. پلورا لیسم سیاسی، قانون آزادی اجتماعات و نظرات، قانون اعتماد، قانون عدلیت سیاسی و اطلاعات وضع کشور را در گام‌ها ساختن است. هم‌اکنون ۵۵ سازمان اجتماعی جدید تشکیل شده است و شش شکل سیاسی آماردگی خود را برای ثبت نام به عنوان حزب اعلام کرده‌اند. پیش از ۹۰ روزنامه موجود است. آزادانه منتشر می‌شود.

قانون اساسی جدید و اصلاحات قانون رفتارندم در سراسر کشور به بحث گذاشته شده است. در حزب کارگروسیا لیست مجارستان، اقلیت اجازت داشته است نظرات خود را منتشر کند. همچنین بررسی نقادانه‌ای که حزب از سال ۱۹۴۵ تاکنون طی کرده است، در دستورها در گرفته است.

با این همه مشکلات هنوز کم نیست. قیمت کالاها افزایش می‌یابد، پس از تعطیل کارخانه‌های زیان آور، ۱۵ هزار نفر از کارگران در جستجوی کار هستند. میزان دیون خارجی زیاد است و مردم باران روری شده‌اند. خود ساسی می‌کنند. نیروهای افراطی و ناسیونالیست بیست و هفت و حزب را مورد حمله قرار می‌دهند. طی سال گذشته تعداد اعضای حزب از ۸۴۰۰۰۰ نفر به ۷۸۰۰۰۰ نفر کاهش یافت. در میان کسانی که صفوف حزب را

ترک گفته‌اند، عده زیادی کارگروسیا لیست مجارستان را اعلام کرده‌اند، راه‌آغا زنده را پیگیرانه ادامه خواهند داد.

گرچستان تحقیقات ادامه دارد

کمیسیونی با نظارت شورای عالی جمهوری گرچستان برای بررسی پیرامون دلایل تراژدی نهم آوریل که منجر به کشتار روزخی شدن دهها تن شده، تشکیل گردید. جندروزیس از تشکیل کمیسیون، وزیر بهداشت و امور محرومین حادثه علامتی از مسوولیت اعلام کرده در جریان پراکندن نظرات، گساز سسی به‌کار رفته که بر اعصاب تا شیری می‌گذارد، سه اعتقاد او و محرومین حادثه علامتی از مسوولیت دارند که پیش از آنرا گساز را تک آور است. وی در روزهای بعداً اعلام کرده هنوز هم عده‌ای در اثر تاثرات ایسن کا ز به بیما رستان‌های تفلیس منتقل می‌شوند.

کمیسیون تحقیق هر هفته جلسه برگزار می‌کند و گزارش افراد ارگان‌های مختلف را بررسی می‌کند. از جمله یکی از این بررسی‌ها نشان داد که تا یکشنبه منشی آنکه عده‌ای از کمشنران در روزها گذشته در بخش مردگان مجهول الهویه بیما رستان بوده‌اند، بی اساس است. لکن جستجو برای یافتن تعدادی افراد که در روزهای بی‌اس از ۹ آوریل کم‌مده‌اند، ادامه دارد. در جلسه ۴ ماهه این کمیسیون که با حضور جلال احما می‌گرچستان و نمایندگان پارلمان شوروی آگاه‌ترین آندرها با روف و دیپلمات‌های لیخا جف برگزار شد، نماینده‌ها دستا نی ارتش گزارشی به جلسه ارائه داد که بر اساس آن در ۹ آوریل کا ز "سی" بی‌کارت رفته که در برخی کشورها برای پراکندن نظرات استفاده می‌شود. وی گفت که: "تحقیقات تازه آغاز شده و اعلام نتایج نهایی زودرس است. مسئله گساز می‌تواند یکی از سبب‌ها باشد که با بدوشن شود. با ید این مسئله را دقیقاً کرده که علاوه بر گساز، "سی" اس، چه چیز دیگری به‌کار رفته است."

نمایندگان پارلمان شوروی از کمیسیون گرچستان اعلام کرده‌اند که این مسئله را در نخستین کنفرانس نمایندگان شوروی عالی اتحاد شوروی مطرح خواهند کرد. در تلویزیون مرکزی شوروی نیز فیلمی از حادثه ۹ آوریل نشان داده شده که در بحث پیرامون آن، یکی از نمایندگان پارلمان گفت که جنازه‌های برخی از کشته‌شدگان در چند کیلومتر دورتر از محل حادثه یافت شده و نشان می‌دهد که آنان زنده بوده‌اند. در فیلم همچنان کودک مجروحی نشان داده شده که تا رگ‌ها در بدن خویش داشت.

مردم همچنان در انتظار روشن شدن ماهیت قضا یاد در ۹ آوریل هستند. کمیته مرکزی حزب کمیونست گرچستان، پلیتوم ویژه‌ای برای ماسیل کبونی جمهوری تدارک می‌بیند و از همه زحمات کشتگان تقاضا کرده که در تشکیل آن فعالانه دخالت کنند. قطع نظر از آنکه محرک اعتراضات مردم گرچستان چه چیز بوده است، گساز اثرش برای مقابله با نظرات افراطی مردم، عملی غیر اخلاقی و غیر انسانی است. به ویژه آن‌ها چه عمیق رهبران اسبق حزب در گرچستان را زشت نمی‌کند، این است که این تراژدی در کشور صورت گرفته است که رهبری آن مجادله می‌کوشد معضلات چنانی را از طریق مذاکره حل کند و در این راه نیز موفقیت‌های جدی به دست آورده است.

مرگ قاتر بار احسان طبری

در زندان جمهوری اسلامی

سوانحام پس از ۶ سال اسارت در جنگال خون ریز تارتاریک اندیشان جمهوری اسلامی، احسان طبری از رهبران حزب توده ایران و اندیشمند نامدار میهنمان در ۲۲ سالگی در زندان‌های جمهوری اسلامی درگذشت.

آثاری که از طبری در اسارت در جنگ درخشان رژیم در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی، فلسفه، تاریخ، اخلاق، زیبایی‌شناسی و ادبیات به جا مانده، از میراث‌های ارزشمند به‌شمار می‌آید.

طبری از فعالین هسته‌ای و لیدر جنبش کمونیستی ایران در دوره‌ها نا بوده. فعالیت انقلابی را با گروه آرائی آغاز کرد. از جمله ۵۳ نفر بود که در ۱۳۲۵ در زندان رضا خان بود. در بنیادگذاری حزب توده ایران شرکت داشت و همواره در کار در رهبری حزب جای داشت.

به دنبال یورش سراسری سران جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، احسان طبری هم در بهار ۶۲ دستگیر و روانه‌سایه‌جاال‌های رژیم گردید. در کنگره‌گران جانشینان این مرد سالخورده را چنان روحا و جسما آرزیدند و فرسودند که مجبور به انکار تمامی اعتقادها و خویش گردید و آرمای که عمری بر سرش مجاهدت کرده بود تیری چوید و از اندیشه‌های پوسیده مرتجعان حاکم تمحید نماید.

دو آرخین سال‌های قرن بیستم، مرگ تراژیک و درده‌آور این اندیشمند برجسته در سایه‌های رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی، قلب هر انسان با فرهنگی را می‌شرد و چهره پالید و سفید بشری رژیم کمونیستی را بیش از پیش به‌جا نیسان نشان می‌دهد.

جنبش بین‌المللی... بقیه از صفحه ۹

حالی رندیده است. با تلاش برای ایجاد مناسبات عادلانه تجاری و روابط اقتصادی بین‌المللی متغی سلا سوندند. نه تنها به بهبود سطح زندگی مردم کشورهای در حال رشد کمک می‌شود، بلکه همچنین راه‌های تازه‌ای برای گشایش در وضعیت اقتصاد کشورهای صنعتی پدید می‌آید.

تجدید بین‌المللی سندیکا بی، امروز همه‌طور که با معضلاتی جدی دست به‌گریبان است، از امکانات توبینی برای مقابله با آنها نیز برخوردار است. با اعتقاد بر این می‌توان گفت که این نواوری‌ها و تغییرات جنبش بین‌المللی سندیکایی به مرحله‌نوبینی از پیشرفت وارد خواهد شد. بدون تردید آینده این جنبش امیدبخش و درخشان است.

نیروی اقتناع و قانون ما باید به دفاع برخیزیم. باید با حداکثر استفاده از اهرم‌های حقوقی، دگرگونی را گسترش دهیم. هرچه آزادی شهروندان جامعه بیشتر باشد، نظارت قانون و نظم هم‌باید در آن بیشتر باشد. نباید به نام پرستش و بیگانه‌سازی به هر چه و مرجع میدان داد و گذاشت تا آزادی بخشی از جامعه توسط بخش دیگری با یمال کردن قانون، نادیده گرفته شود. بالاتر از این نباید اجازه داد تا روند دگرگونی‌ها را با معنی، علیه نظام سوسیالیستی به‌کار گرفته شود.

پیرامون افزایش زدی، رشوه‌خواری و جنایات در دوره اخیر که با عسرت نگرانی مردم شده، رهبران اتحاد شوروی گفت: ممکن است کسانی در جایگاه توم شده‌باشند که دگرگونی برای جنایت‌گران نیز هست. اما درست برعکس در شرایط دگرگونی واقعی باید در وضع عناصر جنایتکار و بدتر وضع مردم به‌تسیر باشد. سخنان همه‌فرا دجا معنی، کلکتیوهای کارگران‌های حزب را به حمایت مادی و معنوی از ارگان‌های حفظ نظام اجتماع فرا خواهد.

پلنوم آوریل ۸۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

نشان داد که علیرغم تمامی دشواری‌ها و معضلات، حزب از زیر پرده پرستی و بیگانه‌سازی انقلابی همه‌شون حیا تا همه‌گسترش و تعمیق دگرگونی و عدلیت با زحمتی ایستد. تصمیم‌ها نشان رعلنی و بی‌کم‌وکاست تمام سخنانی‌های پلنوم اخیر و تهیه‌نامه‌ای خطاب به زحمات پیرامون مسائل مرحله‌دشواری‌کنونی و در میان گذاشتن مشکلات با مردم، نشان‌گر آن است که حزب همچنان در راستای عدلیت و مشارکت دادن توده‌ها در زندگی جامعه به‌پیش می‌رود.

حزب کمونیست‌های شوروی در کشور و جهان، با آغاز زیر پرده پرستی و بیگانه‌سازی و توریته‌عظیمی کسب کرد و امروز نیز با تداوم پیگیری‌ها این خط مشی، اعتبار و خویش را فزونی خواهد کرد.

گذشته تجربه‌کار حزبی داشته‌اند، این اوضاع، بیدک معنا غیر عادی است. لذا باید کار به‌شبهه جدید شرایط دگرگونی را موخت. انتخابات نشان داد که همه‌زمان‌های حزبی برای چنین تغییراتی آماده نیستند. شرایط در نظر اول متناقض به نظر می‌رسد. از یک سو حزب خود می‌تواند دگرگونی‌ها را به‌سر راه معده‌بوده، از سوی دیگر مردم به حرکت درآمده‌اند و نیروهای جدیدی وارد میدان شده‌اند ولی هنوز هم برخورد با متده‌های کهنه از سوی برخی ارگان‌های حزبی وجود دارد.

کار با جف معتقد است که: کار ما نباید در مرکز کردن ایستاده‌شده‌ها باشد، بلکه باید متحرک سیاسی و اجتماعی مردم را رهبری کنیم. آگاهی سیاسی برای تحکیم سوسیالیسم و توسعه‌ی راه‌میان آنها ببریم. اوضاع را به‌لشگری تشبیه می‌کنند که در حال حمله است ولی فرماندهان نش در جانی زنده. وی اضافه می‌کند: حزب باید کار در شرایط دگرگونی را به‌سر راه موزد، از هرگونه زنگنه‌به متده‌های کهنه‌یاد پدیده‌زگرد. گفتگوی مردم ضعف مان نیست، تبدیل حزب به کلوب بحث نیست. اگر گفتگوی اقشار مختلف مردم ضعف باشد، نمی‌توانیم دیگر قدرت بگیریم. باید مردم را برای تحقق پرستش و بیگانه‌سازی از قالب‌های گذشته "آغاز می‌دهم، اجازه نمی‌دهم، می‌کنند، نمی‌گذارم" بیرون آمد. او تجارب انتخابات اخیر و تراژدی آوریل گرچستان را شادگفتار خود می‌آورد می‌گوید: بهترین نتیجه‌ها حفظ حزب از حمله مخالفین آشکارا روپنیا نش. چه محافظه‌کاران و چه چپ‌روها - درست همین است. انتقاد مردم به‌کار درهای ما نیز در همین نکته خلاصه می‌شود.

دولت متکی به قانون

در برخورد با سوءاستفاده‌هایی که از سوی برخی عناصر غیرمسئول از دگرگونی برای ایجاد درج و مرج در جامعه می‌شود، کار با جف می‌گوید: درست مثل هر انقلاب دیگری، پرستش و بیگانه‌سازی محتاج به دفاع از خویش است. بسا

جنبش بین‌المللی سندیکایی در آستانه قرن ۲۱

جستجوی راههای نوین در جهان متحول امروز

تا تیرتحولات شگرف جهان امروز به وسیله انقلاب علمی و فنی برترکیب و ساخت طبقه کارگر و مسائل و وظایفی که به تبع آن در برابر جنبش بین‌المللی سندیکایی قرار گرفته، در سلوچ، سه میا حنا تا رهجویا تنها تحدهای کارگری کشورهای مختلف قطع نظرا از نظامهای اجتماعی آن قسرا در آرد. آنگاه از کم‌وکیف این مباحث و به ویژه شرکت فعال در روندبندیلند و آموزشده این مباحثات برای پیشروان و فعالین جنبش سندیکایی کشور ما نیازی است مبرم. مطلب حاضر، ترجمه و تلخیصی است از مقاله‌ای در این باب، به‌عنوان "گسوی آن دادونک" مسئول شعبه روابط بین‌المللی کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری چین به نقل از نشریه قدراسیون جهان اتحادیه‌های کارگری:

بیشتر حقوق کارشناسان در کشور ما با استفاده از تجربه بیگاری، در جریان چانه‌زنی‌های مربوط به منعقد قراردادها، دست‌جمعی و بی‌میان‌های مربوط به امتیازات اساسی، تعرض به ستم و استیصال می‌کنند. یکی از تجربه‌های اصلی موردتوجه کارفرمایان اینجاست که تغییرات جدید در رابطه با اعتبارات کارگری و تامین امکانات بیشتر برای مدافعان حقوق کارکنان و تلاش جهت خنثی کردن تاثیرات منفی کارگری است.

چگونه با بدبا معطلات درآخت

بخشی از جنبش سندیکایی بین‌المللی، خود را در مواجهه با این معطلات، ضعیف احساس می‌کنند، اما بخشی اعظم جنبش‌های نوین با وراست که فزونی‌تر شدن مشکلات، نقش اتحادیه‌ها را نه‌کمتر، بلکه بیشتر می‌کند، کشف راه‌های نوین و استقبال از تغییرات ضروری، اینک در مرکز توجه کنفرانس‌ها و کنگره‌های سندیکایی قرار گرفته است.

گرچه این بی‌جوبی‌ها و تغییرات هسوزدر مرحله آغازین خودتقدیرارادرواز این کشورسده آن کنونیست و متفاوت است، اما می‌توان دید که هم‌سده اتحادیه‌ها و وظایف عمومی زیرارادربرا بر خرسده سود دارند:

۱- دفاع از حقوق تمامی کارگران

تاکنون اتحادیه‌های کارگری، اعضای خود را عمدتاً در صنایع "سنتی" می‌توانند درآختگی امر با سازمانی صنعتی با تولید تکنولوژی نوین به طور قابل ملاحظه‌ای ساخت و ترکیب نیروی کار را تغییر داده است. یکی از روش‌های اصلی تغییرات و بی‌جوبی‌ها می‌تواند اتحادیه‌ها در صورت تطبیق شان با شرایط جدید عبارت است از راه‌های بی‌نیازی مبتلا به اتحادیه‌های کارگری.

تغییر در ساخت و ترکیب نیروی کار در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی بسیار آشکار رسوده است:

کارگران در بخش خدمات، اکنون بین ۵ تا ۶۰ درصد جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند، در حالی که نسبت کارگران بخش‌های اول و دوم به ۱۰ درصد و ۳۰٪ کاهش یافته است.

در برخی کشورها، کارگران ادارات اکنون ۵۰٪ ترکیب جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند، در حالی که شمار کارگران بدی‌نشینان نزدیک کرده است. موقعیت کارگران از نظرتوزیع آنها در موسسات مختلف از این قرار است که تقریباً ۴۰ درصد در واحدهای تولیدی و خدماتی متوسطی هستند که دهه اخیر رشد کرده‌اند. همچنین شمار زنان در مجموعه نیروی کار افزایش یافته است به طوری که نسبت آنان در ترکیب جمعیت فعال (ناغل) به ۴۰ درصد رسیده است.

در اثر شیوع ثبات شدن اشتغال، مشاغل باره-وقت کمتر در آن زمان را فقط محدود به ساعات معدودی از روزها یافته است، افزایش زیاد ی پیدا کرده است. در برخی کشورها این بخش ۲۰٪ کارگران را شامل می‌شود.

بنابراین می‌توان دید که ترکیب طبقه کارگر دستخوش تغییرات بزرگی شده، به نحوی که اتحادیه‌ها غالباً نتوانسته‌اند با انعطاف و سرعت کافی از خود واکنش نشان دهند. و این یکی از دلایل عمده کاهش تعداد اعضای اتحادیه‌ها در این کشورها است.

این حقیقت که اتحادیه‌ها طی مدت‌های مدید توجه خود را تنها روی کارگران صنعتی متمرکز کرده‌اند، موجب شده که از زماندهی کارگران شاخه‌های جدید به ویژه کارگران بخش خدمات با زماندهی در واقع بسیاری از کارگران غیربیدی (که اغلب مثل کارگران صنعتی استمار می‌شوند) بخش مهمی از اتحادیه‌های کارگری را شامل می‌شوند.

روحیه رزمندگی و سنت‌های مبارزاتی در آنه‌ها سال به سال رفته‌رفته کم می‌شود. در سال‌های اخیر، بسیاری از اعضای اتحادیه‌ها در کارگران یقه سفید بخش‌های خدمات با زمان داده‌اند.

این امر، بسیاری از اتحادیه‌های کارگری را وادار به واقع بینی می‌کند، اگرچه آنها بخوانند منافع کلیت نیروی کار را رانما بندگی کنند، می‌بایست آمادگی پذیرش مطالبات همه بخش‌های آن را داشته باشند. از کارگران یقه سفید تا کارگران بدی، تکنسین‌های موسسات کوچک و کارگران بخش دولتی و خصوصی.

۲- انعطاف‌پذیری با شرایط نوین

وظیفه اساسی اتحادیه‌های کارگری عبارت است از: دفاع از حقوق و منافع کارگران، قطع نظرا از نظام اجتماعی‌ای که در چارچوب آن فعالیت می‌کنند. به‌یچین است که اتحادیه‌ها، کارگری در دفاع موثر از حقوق و منافع کارگران و بی‌جوبی برای کشف راه‌های نوین و انجام تغییرات ضروری

با بدبیراس و اقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورهای خودشان مبارزه کنند و تفاوت‌های ناشی از سنت‌های تاریخی و سطح پیشرفت کشور خود را نیز در نظر بگیرند.

در سال‌های نخست دهه ۲۰، در شرایط رشد اقتصاد جهانی از جنگ، پیروزی کارگسران در دست‌یابی به حقوق و منافع شان، در کشوره‌های پیشرفته سرمایه‌داری، نسبتاً آسان تر بود. اما امروز، در شرایط بحران مزمن اقتصادی، معضلات عملی بسیاری در این راه وجود دارد.

مطالبات کارگران در گذشته عمدتاً حصول افزایش دستمزد بود. اما به‌مجرد آن‌ها که بیگاری به‌منابها مری تثبیت شده پیدا شد، تاکیست روی امنیت شغلی عمده‌ترین مطالبه صنعتی کارگران گردید. اتحادیه‌های کارگری، هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای تقاضایان را برای کاهش ساعات کار و استراحت بیشتر به منظور تامین مشاغل بیشتر مطرح می‌کنند. در کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (ETUC) بسیاری از اتحادیه‌های کارگری اروپای غربی، دست‌یابی به ۳۵ ساعت کار در هفته را هدف عمده مبارزات جاری خود قرار داده‌اند.

برای رویا رویی با آنچه که به همه بخش‌های طبقه کارگر مربوط است، بسیاری از اتحادیه‌ها در مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود، کاهش مالیات، حق بیمه بیگاری با شرایط مناسب، حقوق بازنشستگی بیشتر، رعایت موازین محیط زیست و غیره را تیرکنجا نه‌اند.

مشارکت در آراء و راه تولید

مشارکت کارگران در مدیریت موسسات و برنامه‌ریزی اقتصادی ملی سیاست اجتماعی، اکنون به مطالبه‌ای جهانی بدل شده است. امروز که تولیدات نوین با تکنولوژی مدرن، مسئله مزمن برخورداری از کارگران از سطح آگاهی فنی بالا، روح ابتکار و احساس مسئولیت فزاینده‌ای است، تا مین مشارکت کارگران با توجه به این واقعیت که کارگران صاحبان جمعی موسسات دولتی‌اند، آسانتر است. در کشورهای سرمایه‌داری به‌دلیل خصوصی بودن مشاغل تولیدی، سرمایه‌دار "مجاز" در است مشارکت کارگران را تنها به مشارکت آنها در تامین حدها کثیرا زده‌ای کار، محدود کند. به همین علت است که اتحادیه‌های کارگری بر شمار مشارکت کارگران در آراء و تولید به‌مثابه یک طریق مهم

تا مین هرجه موثرتر حقوق و منافع کارکنان در موسسات تولیدی و خدماتی، تاگیدارند. امروز مشابه مشارکت کارگران، از چارچوب مدیریت موسسات فزاینده تا تنظیم سیاست اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی نیز بسط یافته است.

در کشورهای سوسیالیستی، هدف اساسی اصلاحات ساختار اقتصادی، ارتقا قابلیت موسسات و تقویت قوه ابتکار و خلاقیت کارگران به نحوی اکمل است. فرم ساختار سیاسی بر اهمیت تعمیم دگرسی سوسیالیستی - دست‌یابی مشارکت کارگران به‌مثابه مری بدیچی تبارزی یا بسد، تاگیدارند.

اتحادیه‌های کارگری کشورهای سوسیالیستی همچنین درمی‌یابند که مشارکت فزاینده کارگران در مدیریت اقتصادی و سیاسی، طریق است که در کارگران این احساس را که آنها صاحبان واقعی موسسات هستند می‌توانند تیر. گذار مستقیم تحولات کشورها شد، به وجود می‌آورد.

در کشورهای در حال رشد، بسیاری از اتحادیه‌های کارگری به‌این نتیجه رسیده‌اند که رشد اقتصادی بدون مشارکت کامل کارگران ناقص حاصل نیست. به‌هرا حال مشارکت فعال کارگران در تنظیم سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت، امکان این امر را که منافع کارگران به‌حساب آید و دستاوردهای مبارزات گذشته حفظ شود، تا مین خواهد کرد.

همکاری بین‌المللی اتحادیه‌ها

در وضعیت اقتصادی و خاتم‌بازکنونی، در بسیاری از کشورهای گرایش نوین مبنی بر اینکه اتحادیه‌های مختلف با گرایش‌های سیاسی متنوع با بدبیر محور مطالبات اقتصادی و اجتماعی کارگران وارد گفتگو و اشتراک عمل شوند، در حال شکل‌گیری است. هر روز اتحادیه‌های بیشتر و بیشتری به‌این واقعیت آگاهی می‌یابند که جهان یک هستی واحد است و اقتصادهای کشورهای مختلف به‌نحو تنگ‌بندی در رابطه با یکدیگر و به‌طور فزاینده‌ای به هم وابسته است.

عرشه‌های همکاری بین‌المللی

اتحادیه‌های دوراندیش کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته اینک درمی‌یابند که رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته نمی‌توانند جدا از کشورهای عقبه در صفحه ۸

دگرگونی‌های ژرفی که اینک جنبش بین‌المللی سندیکایی از سرمی گذراند و نیسز راه‌های نوینی که این جنبش جستجو می‌کند، برای آینده آن چارچوب اهمیت حیاتی است.

تنوع منافع طبقه‌های درون این جنبش امری تصادفی نیست. در همین رابطه است که اتحادیه‌ها با توجه به این واقعیت که در هر کشور، شرایط و درجه‌ای از اقتصاد سختی و رفندی، نظریه "بحران جنبش سندیکایی" در رسانه‌های گروهی غرب مطرح شد. رویدادهای هیجان‌انگیز در سال ۱۹۸۰، نیز توسط این رسانه‌ها به‌مثابه "بحران جنبش سندیکایی" در کشورهای سوسیالیستی عنوان شد و پیش‌انداز می‌شود، "زوال نفوذ اتحادیه‌های کارگری"، "اختساب ناپذیر بودن فریادی سندیکایی" و نظایر آن توسط برخی دانشمندان مطرح گردید.

آیا این ارزیابی‌ها در مورد جنبش بین‌المللی سندیکایی امروزه قوی‌تر است؟ برای پاسخگویی به این سؤال از فروری استانبول نکتی می‌دهم در نظر گرفته شده است که سندیکاهای امروز با مسائل جدیدی، در شرایط جدید، با این مسائل تازه روبرو شده‌اند.

در پی ۲۰ سال رشد و ترقی که در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی نصیب کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری شد، این مالک دستخوش رکود و بحران شدیدی شدند و اقتصاد جهانی نیز در وضعیت دشواری قرار گرفت. در همین اثنا، انقلاب علمی و فنی و کاربرد گسترده تکنولوژی میکروالکترونیک ارتباطات و مینی‌ماترها را در اختیار مکنند (کنترل مهندسی و تکنیک و دست‌یابی به اشکال جدید منابع مواد انرژی، تغییرات اقتصادی ژرفی به‌سبب ورود فرم‌های درجات مختلف در تعدادی از کشورهای صورت گرفت.

مسائل جدید جنبش سندیکایی

اتحادیه‌های کارگری در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با سه معضل بزرگ مواجه هستند:

۱- بیکساری وسیع در اثر رشد اقتصادی ناآرامی و بازاری متابع سنتی کاربر، بیگاری به‌این مزم بدل شده و هیچ نشانه‌ای مبنی بر بهبود این وضعیت به چشم نمی‌خورد.

در سال ۱۹۸۷ در مدییکاری در بسیاری از کشورهای حدود ۱۰٪ و در کشورهای عضو سازمان همکاری و تجارت آزاد ۱۱٪ بود. کثرت شمار بیکاران، مشکلات اجتماعی حاد را پدید آورده و مساله بیگاری به معضل شماره یک کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بدل شده است.

۲- کاهش شمار اعضای اتحادیه‌ها تولیدات نوین ناشی از تکنولوژی جدید و بازاری صنعتی، موجب افزایش چشمگیر شمار کارگران در صنایع خدماتی و مشاغل یقه سفید است. فرام‌کردن (همان عرصه‌های که در آن، با یک‌سده اتحادیه‌های کارگری ضعیف بوده است). به‌علاوه صرف‌جویی بی‌سابقه‌ای از بازاری تکنولوژیک صنایع سنتی، موجب کاهش سریع تعداد اعضای اتحادیه‌ها شد. در مساله اتحادیه‌های کارگری از آغاز دهه ۸۰ تا سال ۸۶ در انگلستان از ۴۶ درصد نیروی کار به ۳۵ درصد، در فرانسه از ۲۳/۴ درصد به ۱۸٪ و در آمریکا از ۲۳٪ به ۱۸٪ تنزل یافته است.

۳- تعرض کارفرمایان برای بازسازی دستاوردهای سندیکایی: کارفرمایان با تعرض به اتحادیه‌های بی‌کفایت لحاظ پایگاه توده‌ای ضعیف تری بوده‌اند و بسط بازستانی برخی امتیازات منفی آنها، به‌دولت‌ها فشار آوردند تا قوانین کار را در جهت "بی‌شایستی"

